

آثار تقوا در دنیا و آخرت با الهام از آیات قرآن و

سخنان اهل بیت علیهم السلام

سید محمد صادق حسینی سرشیت^۱

امیر اشرافی^۲

چکیده

«آثار تقوا در دنیا و آخرت با الهام از آیات قرآن و سخنان اهل بیت علیهم السلام» عنوانی است جهت دستیابی به مفهوم تقوا و آثار آن در دنیا و آخرت که از دیدگاه قرآن و سنت بررسی گردیده است. تقوا از «وقایه» گرفته شده و در لغت، به معنای خویشتر داری و بازداشتن نفس از آن چیزی است که در آخرت برای انسان زیان دارد. تقوا، محصور کردن نفس به چیزهایی است که برای او مفید است. تقوا، دارای اثر نیک در دنیا و آخرت است. آثار دنیوی نیز در دو قالب آثار فردی و آثار اجتماعی ذکر شده‌اند. لازم به ذکر است که پاره‌ای از آثار، رابطه‌ای تعاملی یا دو سویه با تقوا دارند؛ یعنی

آثار تقوا در دنیا و آخرت با الهام از آیات قرآن و سخنان اهل بیت علیهم السلام



۱- مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهین شهر.

۲- مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد گلپایگان.

هم این عوامل تقوا را به دنبال دارند و نیز تقوای پیشگی سبب پیدایش آنهاست.

واژه‌های کلیدی

تقوا، قرآن و سنت، آثار دنیوی و اخروی، آثار فردی و اجتماعی، آثار تقوا از منظر قرآن و سنت.

آثار تقوا در دنیا

مراد، آثاری است از فضایل و خوبی‌ها که در این دنیا نصیب و روزی متقین می‌گردد.

الف- آثار فردی

مراد، آثاری است که اولاً و بالذات بر فرد اثر می‌گذارد و ثانیاً و بالعرض آثار آن در جامعه مشخص می‌گردد.

۱- خدا محوری

پروا پیشگان، جلال و بزرگی، یاد، محبت، ایمان و رضای باری تعالی در سراسر زندگی‌شان پرتو افکنده است. امام علی علیه السلام در خطبه‌ی همام که خطبه‌ی متقین نام گرفته چنین می‌فرماید: «... عَظَّمَ الْخَالِقُ فِیْ أَنْفُسِهِمْ فَصَتَّرَ مَا دُونَهُ فِیْ أَعْيُنِهِمْ»^۱ ایشان، حقیقتاً به خداوند

۱- ... خداوند در جان‌شان بزرگ گشته، و در نتیجه، غیر او در چشم‌شان کوچک آمده ... [سید رضی، ابوالحسن حسین بن محمد، نهج البلاغه، ترجمه: شیروانی، علی، خطبه‌ی ۱۸۳].

ایمان آورده‌اند.^۱ و از نثار کردن جان، مال و ... در راه خدا هیچ باکی ندارند:

﴿لَا يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَاللَّهُ عَلَيْهِمُ بِالْمُتَّقِينَ إِنَّمَا يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَارْتَابَتْ قُلُوبُهُمْ فَهُمْ فِي رَيْبِهِمْ يَتَرَدَّدُونَ﴾^۲

علامه طباطبایی رحمته الله در تفسیر آیات فوق در وصف جهادکنندگان در راه خدا چنین می‌نویسد:

«خداوند در این دو آیه می‌خواهد بفرماید: جهاد در راه خدا با جان و مال از لوازم ایمان واقعی و درونی به خدا و روز جزاست، چون چنین ایمانی آدمی را به تقوا وامی‌دارد و مؤمن، به خاطر داشتن چنین ایمانی نسبت به وجوب جهاد بصیرتی به دست می‌آورد و همین بصیرت نمی‌گذارد که در امر جهاد تناقل و کاهلی کند، تا چه رسد به این که از ولی‌امر خود اجازه‌ی تخلف و معافیت از جهاد بخواهد. به خلاف منافق که او به خاطر نداشتن ایمان به خدا و روز جزا دارای چنین تقوایی نگشته، دلش همواره در تزلزل و تردید است، و در نتیجه، در مواقع دشواری که پای جان و مال در میان است دلش می‌خواهد به هر وسیله‌ی ممکن ظفره برود و خود را کنار بکشد، و برای این که از رسوایی خود نیز جلوگیری به عمل آورده باشد و

۱- کسانی که به خدا و روز بازپسین ایمان دارند، در جهاد با مال و جان‌شان از تو [عذر و] اجازه نمی‌خواهند، و خدا به [حال] تقوا پیشگان داناست. تنها کسانی از تو اجازه می‌خواهند [به جهاد نروند] که به خدا و روز بازپسین ایمان ندارند و دل‌هایشان به شک افتاده و در شک خود سرگردانند. [بقره/ ۱۷۷].

۲- توبه/ ۴۴-۴۵.

آثار تقوا در دنیا و آخرت با الهام از آیات قرآن و سخنان اهل بیت علیهم السلام

صورت قانونی بدان بدهد از وکی امرش درخواست معافیت می کند.^۱

خداوند در زندگی دنیایی، کلمه‌ی تقوا و سکینه را نصیب متقین و مؤمنین می کند: ﴿إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ حَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةِ فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَى وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا﴾^۲.
متقین در سراسر مشکلات و سختی‌ها و القآت نفسن و شیطان، خداوند یگانه و بی‌همتا را یاد می کنند:

﴿إِنَّ الَّذِينَ أَنْزَلُوا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُم مُّبْصِرُونَ﴾^۳

آری، اینان همان متقینی هستند که یاد خداوند باری تعالی سراسر وجودشان را فرا گرفته و شب و روزشان را با یاد خدا به سر می‌برند. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «... يُصْبِحُ وَهَمُّهُ الذِّكْرُ...»^۴ ایشان هوشیار هستند و لحظات را جز با یاد خدا به سر نمی‌برند. مولای متقیان می‌فرماید: «... إِنَّ كَانَ فِي الْغَافِلِينَ

۱- طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه: موسوی همدانی، سید محمد باقر، ج ۹، ص ۳۸۸.

۲- آن‌گاه که کافران در دل‌های خود، تمصب [آن‌هم] تمصب جاهلیت ورزیدند، پس خدا آرامش خود را بر فرستاده‌ی خویش و پسر مؤمنان فرود فرستاد، و آرماتن تقوا را ملازم آنان ساخت، و [در واقع] آنان به [رعایت] آن [آرماتن] سزاوارتر و شایسته‌ی [انصاف به] آن بودند و خدا همواره پسر هر چیزی داناست. [فتح / ۲۶]

۳- در حقیقت، کسانی که [از خدا] پروا دارند، چون وسوسه‌ای از جانب شیطان بدیشان رسد [خدا را] به یاد آورند و بناگاه بینا شوند. [اعراف / ۲۰۱].

۴- «... و شب و با نلدیشه‌ی ذکر و یاد خدا به روز می‌آورد...» [سید رضی، ابوالحسن حسین بن محمد، نهج البلاغه، ترجمه: شیروانی، علی، خطبه‌ی ۱۹۳].

كُتِبَ فِي السَّائِرِينَ وَإِنْ كَانَ فِي السَّائِرِينَ لَمْ يُكْتَبْ مِنَ الْغَافِلِينَ...»^۱

خدا محوری آن قدر در وجود آنها رسوخ یافته که حتی در کارهای روزمره‌ی خود نیز با یاد خدا حرکت می‌کنند. امام علی علیه السلام در همراهی یکی از یاران فرمودند: «انطلق عَنِّي تَقْوَى اللَّهِ وَخِدَةَ لَأَشْرِيكَ لَهُ...»^۲ امام علیه السلام به یکی از کارگزاران خود [مخفف بن مسلم] هنگامی که او را برای گسردآوری زکات [به اصفهان] فرستاد چنین فرمودند: «أَمْرَةٌ بِتَقْوَى اللَّهِ فِي سَرَائِرِ أَمْرِهِ وَخَفِيَّاتِ عَمَلِهِ حَيْثُ لَأَشْرِيكَ لَهُ» [شاهد] شهید غیره و لَأَشْرِيكَ لَهُ...»^۳

تقوا پیشگان نسبت به خداوند خوف و خشیت دارند:

﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى وَهَارُونَ الْفُرْقَانَ وَضِيَاءً وَذَكَرُوا لِلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَهُمْ مِّنَ السَّاعَةِ مُشْفِقُونَ﴾^۴

امام علی علیه السلام خشیت و خوف ایشان را چنین وصف می‌نماید: «لَقَدْ بَرَأَهُمُ الْخَوْفُ بَرِي الْقِدَاحِ يَنْظُرُ إِلَيْهِمُ الطَّائِفُ قِيَحْسِيَّتِهِمْ مَرَضَى وَمَا بِالْقَوْمِ مِّنْ مَرَضٍ وَ يَقُولُ: لَقَدْ خَوَّلُوا وَلَقَدْ خَالَطَهُمْ أَمْرٌ عَظِيمٌ...»^۵

۱- انسان پرهیزگار اگر در میان غافلان باشد از جمله‌ی ذاکران به حساب آید، و اگر در جمع ذاکران باشد از غافلان به شمار نیاید... [همان، خطبه‌ی ۱۹۳].

۲- با پروای خداوندی که یکتا و بی‌شریک است، حرکت کن... [همان، نامه‌ی ۲۵].

۳- او را به پروای از خدا در امور نهایی و کارهای پوشیده از نظرها فرمان می‌دهم، آنجا که جز خدا کسی شاهد و غیر او کسی وکیل نیست... [همان، نامه‌ی ۲۶].

۴- در حقیقت، به موسی و هارون فرشان دادیم و [کتابشان] برای پرهیزگاران روشایی و اندوژی است. [همان] کسانی که از پروردگارشان در نهان می‌ترسند و از قیامت هراساکنده [انبیاء / ۴۸-۴۹].

۵- و خوف از خداوند پیکرشان را همچون نیر تراشیده و باریک ساخته، هرگاه کسی نگاهش به ایشان افتد بگذرد که بیمارند، در حالی که بیمار نیستند، مردم می‌گویند: ایشان دیوانه‌اند، حال آن که امری عظیم آنان

اینان، خوف از خدا را همراه با امید در دل دارند. امام علی علیه السلام در خطبه‌ی همام می‌فرماید: «... بَيْتٌ حَذِرًا وَ يُصْبِحُ فَرِحًا حَذِرًا لِمَا حَذَرَ مِنَ الْغَفْلَةِ وَ فَرِحًا بِمَا أَصَابَ مِنَ الْفَضْلِ وَ الرَّحْمَةِ»^۱

آری، اهل تقوا به جهت شناخت اصیل و عمیقشان از بیماری تعالی، دلی خاشع دارند: «خاشعاً قلبه...» ایشان با تمام وجود با خدا هستند و خداوند نیز بیماری‌رسان آنهاست. خداوند در وصف ایشان می‌فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ﴾^۲

علامه طباطبایی رحمته الله علیه درباره‌ی تفسیر این آیه می‌فرماید:

«از این تعبیر استفاده می‌شود که تقوا و احسان هر یک سبب مستقلی برای موهبت نصرت الهی و ابطال مکر دشمنان دین و دفع کید آنان هستند، پس می‌توان گفت که این آیه جمله‌ی «وَلَا تَكُ فِی ضَلَالٍ مِّمَّا يَمْكُرُونَ»^۳ را تعلیل می‌کند و وعده‌ی نصرت می‌دهد.»^۴

کلام حضرت علی علیه السلام نیز مؤیدی بر این ادعاست که خداوند بیماری‌رسان انسان‌های پرهیزگار و با تقوا در کارزار دنیااست؛ ایشان

را چنان آشفته ساخته است...^۱ [سید رضی، ابوالحسن حسین بن محمد، نهج البلاغه، ترجمه: دکتر شیروانی، علی، خطبه‌ی ۱۱۳].

۱- شب را ما بیم سبزی می‌کند و روز را شادمان آغاز می‌نماید؛ بینا که از غفلتی که او را از آن بر حذر داشته‌اند و شادمان از فضل و رحمتی که تمییز گشته است. [همان، خطبه‌ی ۱۱۳].
۲- همان.

۳- نحل / ۱۱۲۸ و نیز رک: بقره / ۱۹۴، توبه / ۳۶ و ۱۲۳.

۴- در حقیقت، خدا با کسانی است که پروا داشته‌اند و [با] کسانی [است] که آنها نیکوکارند. [نحل / ۱۱۲۷].

۵- طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه: موسوی همدانی، سید محمد باقر، ج ۲، ص ۳۹.

می‌فرماید: «أَيُّشْرُكَ أَنْ تَكُونَ مِنْ حِزْبِ اللَّهِ الْعَالِيَيْنِ اتَّقِ اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَ أَحْسِنْ فِي كُلِّ أُمُورِكَ»^۱ «فَلْيَنْ اللَّهُ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَ الَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ»^۲ و خدا همیشه یار و یاور متقین است و این رابطه‌ی تعاملی و دو سویه است:

﴿إِنَّهُمْ لَنْ يَغْنُوا عَنْكَ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَإِنَّ الظَّالِمِينَ بَغْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَغْضِ اللَّهِ وَ لِيُ الْمُتَّقِينَ﴾^۳

ایشان، در دین و راه خدا استوار و محکم هستند؛ چون ایمان آنها توأم با تقوا و یقین قلبی است و به سادگی با وساوس شیطان و ظواهر دنیا خللی در دینشان وارد نخواهد آمد. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «... خَيْرٌ زَأْ دِينُهُ...»^۴ «وَمِنْ عَلَامَةِ أَحْسَنِهِمْ [الْمُتَّقِينَ] أَنْكَ تَرَى لَهُ قُوَّةً فِي دِينِهِ وَ حَزْمًا فِي لِسَانِهِ وَ إِيْمَانًا فِي يَقِينِهِ...»^۵

تقوا پیشگان به وسیله‌ی تقوا به یاد و ذکر و بیماری خدا هستند و نیز در پی آن از غفران، محبت، رحمت و رضای الهی برخوردار هستند. آنان

۱- «اگر دوست داری که در نیروی پیروز خداوند باشی پروای خدا، پشه کن و در تمام کارهایت نیکی کن که خداوند با کسانی است که تقوا پیشه می‌کنند و نیکوکارند.» [آمدی، عبدالواحد النعمی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۱۶۹].

۲- آنان هرگز در برابر خدا از تو حمایت نمی‌کنند [و به هیچ وجه به کار تو نمی‌آیند] و مستمگران بعضی‌شان دوستان بعضی [دیگر]ند، و خدا یار پرهیزگاران است. [جاثیه / ۱۹].

۳- «دینش محفوظ است...» [سید رضی، ابوالحسن حسین بن محمد، نهج البلاغه، ترجمه: شیروانی، علی، خطبه‌ی ۱۱۳].

۴- «از دیگر نشانه‌های انسان پرهیزگار آن است که او را می‌بینی که در دین نیرومند، دور آندیش و در عین حال ملایم، دارای ایمانی توأم با یقین است...» [همان].

آیات تقوا در دنیا و آخرت با الهام از آیات قرآن و سخنان اهل بیت علیهم السلام

اهل گناه و معصیت نیستند، لیکن اگر از آنان گناهی سرزند، خداوند گناهان تقوا پیشگان را به سبب پروایشان می‌آمرزد:

﴿ذَلِكَ أَمْرُ اللَّهِ أَنْزَلَهُ إِلَيْنَا وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا﴾

خداوند به حال چنین افرادی که به سمت پرهیزگاری آمده‌اند نظر می‌کند و گناهان گذشته ایشان را نیز محو می‌کند:

﴿لَيْسَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جُنَاحٌ فِيمَا طَعِمُوا إِذَا مَا اتَّقَوْا وَآمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ثُمَّ اتَّقَوْا وَآمَنُوا ثُمَّ اتَّقَوْا وَأَحْسَنُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾

خداوند در جای دیگری چنین فرموده است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْتُمْ أُمَّةٌ مُبْدِئَةٌ لَكُمْ فِرْقَانًا يُخْذَلُ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ﴾

خداوند، خود، متقین را به سوی مغفرت در آخرت ترغیب نموده است تا بدانند که چه جایگاه مقدس و مبارکی در انتظار آنهاست:

﴿وَسَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ غُرُوفًا تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لِلْمُتَّقِينَ﴾

۱- همین است فرمان خدا که آن را به سوی شما فرستاده است؛ و هر کس از خدا پروا کند، بدی‌هایش را از او بزداید و پاداشش را بزرگ گرداند، [طلاق/ ۵].

۲- هر کس کسی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، گناهی در آنچه [قبلاً] خورده‌اند نیست، در صورتی که تقوا پیشه کنند و احسان نمایند و خدا نیکوکاران را دوست می‌دارد، [مائده/ ۹۳].

۳- ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر از خدا پروا دارید، برای شما [نیروی] تشخیص [حق از باطل] قرار می‌دهد؛ و گناهان را از شما می‌زداید؛ و شما را می‌آموزد؛ و خدا دارای بخشش بزرگ است، [انفال/ ۲۹].

۴- او برای آموزش از پروردگار خود، و بهشتی که بهنایش [به قدر] آسمان‌ها و زمین است [و] برای پرهیزگاران آماده شده است، بشنایید، [آل عمران/ ۱۳۳].

آری، مغفرت الهی در دنیا و آخرت نصیب متقین است. پروا پیشگان، محبت و دوستی خدا را به خود جلب می‌کنند:

﴿يُنْفِقُ مِمَّنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ وَاتَّقَىٰ فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ﴾

«پیامد تقوا، برخورداری از رحمت الهی است. تقوای عاشقانه، فرد را به دریای رحمت بی‌منتهای الهی، یعنی ایستگاه پایانی می‌رساند. این رحمت البته چیزی نیست جز توفیق الهی در دوستی محمد و آل او»

و دشمنی با دشمنان ایشان؛ زیرا آنها اهل رحمت پروردگار در دنیا و آخرت^۲ و مظهر رحمت و رحیمیت او می‌باشند. چنان که

رسول خدا^۳ خود مظهر رحمت برای جهانیان^۴ و ابراهیم^۵ نیز برخوردار از رحمت اختصاصی اهل بیت^۶ می‌باشد. از مصادیق این

رحمت، برکت در روزی و بهره‌وری از نعمت خدا داد^۷ و نیز فهم حقیقی کتاب‌های الهی از جمله قرآن،^۸ انجیل و تورات،^۹ است و متقی

از درک و فهمی ویژه^{۱۰} برخوردار بوده، بدین وسیله از دیگران متمایز می‌گردد.^{۱۱}

۱- آری، هر که به پیمان خود وفا کند و پرهیزگاری نماید بی‌شک خداوند پرهیزگاران را دوست دارد، [آل عمران/ ۱۷۶] و نیز ر. ک: توبه/ ۴].

۲- اعراف/ ۱۳.

۳- ر. ک: فخری، اوالحسن، مفسر مرآة الأنوار، ص ۱۶۵.

۴- ﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾ [انبیاء/ ۱۰۷].

۵- ﴿قَالُوا لَنَجْعِلَنَّكَ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ مِن قَبْلِهِ وَنَجْعَلَنَّكَ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ مِن قَبْلِهِ﴾ [مرد/ ۱۷۳].

۶- ر. ک: عیاشی، محمّد بن مسعود، تفسیر العیاشی، ص ۱۳۴۰ جرحانی، ابوالحسن، جلاء الأعداء، ۹۸/۱۰، طلاق/ ۲ و ۳.

۷- ﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ﴾ [البقره/ ۱].

۸- ﴿وَالْكِتَابُ الْإِنْجِيلُ فِيهِ هُدًى وَنُورٌ وَنُورٌ وَنُورٌ لِّمَنْ يَشَاءُ وَالْكِتَابُ التَّوْرَةُ فِيهِ هُدًى وَنُورٌ لِّلْمُتَّقِينَ﴾ [المائدة/ ۴۶].

۹- ر. ک: الاحرف/ ۱۶۹، الامام/ ۳۳.

۱۰- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْتُمْ أُمَّةٌ مُّبْدِئَةٌ لَكُمْ فِرْقَانًا﴾ [انفال/ ۲۹].

۱۱- سودوی، امیر، پیامد افعال در زندگی با الهام از قرآن، ص ۱۰۵.

آنچه از رحمت، با تقوا پیشگان مرتبط است، نه رحمت عام، بلکه رحمت خاص است:

﴿وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ﴾^۱

در این آیه، به سیر رحمت باری تعالی از رحمت عامه (واسعه) به رحمت خاصه که ویژه متقین است، اشاره شده است. آری، این رحمت چنان که گفته آمد، نعمت اهل بیت رسول خدا ﷺ است.

در آیات دیگری نیز به این رحمت خاصه اشاره شده است:

﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّقُوا مَا بَيْنَ أَيْدِيكُمْ وَمَا خَلْفَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾^۲

وقتی تقوای الهی با ایمان به او، عجین گشت، از رحمت خاص خدا، نسور الهی و آمرزش او برخوردار خواهیم شد:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَأَمْسُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنَ رَحْمَتِهِ وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾^۳

۱-... و رحمت همه چیز را فرا گرفته است؛ و به زودی آن را برای کسانی که پرهیزگاری می کنند و زکات می دهند و آنان که به آیات ما ایمان می آورند، مقرر می دارم. [الاعراف / ۱۵۶].

۲- و چون به ایشان گفته شود: از آنچه در پیش رو و پشت سر دارید بترسید، امید که مورد رحمت قرار گیرید (نشی شوند) [یس / ۴۵]

۳- ای کسانی که ایمان آورده اید، از خدا پروا دارید و به پیام او بگروید تا از رحمت حویش شما را دو بهره عطا کند و برای شما نوری قرار دهد که به [برکت] آن راه سپرید و بر شما بپوشاید و خدا آمرزنده ی مهربان است. [حدید / ۲۸].

در روایتی نیز از امام علی علیه السلام چنین نقل شده است: «مَنْ تَقَلَّهَ اللَّهُ مِنْ دُلِّ الْمَتَاعِ إِلَى عِزِّ الْقَوَى أَغْنَاهُ اللَّهُ بِمَا مَالٍ وَأَعْرَضَ بِمَا عَشِيرَةٌ وَأَتَتْهُ بِمَا أَنِيسٌ»^۱

از آنچه گفته آمد مشخص گردید تقوای الهی رابطه ی بشدرا با خداوند محکم تر می کند و یاد و ذکر او را در دل زیاد گردانیده و نیز موجب یاری کردن خدا و استواری در دین می شود. هم چنین گناهان آمرزیده می شود و از رحمت و محبت خدا برخوردار خواهیم شد و اوج این نعمت ها در رضای خداست:

﴿قُلْ أُوْتِبْتُكُمْ بِخَيْرٍ مِّنْ ذَلِكُمْ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَأَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ﴾^۲

کوتاه سخن این که، یکی از پیامدهای مهم تقوا در این عالم، خدا محوری است.

۲- ایمان به پیامبران الهی ﷺ از آثار تقوا، ایمان به فرستادگان الهی است:

﴿وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْآيَاتِ وَالْكِتَابِ وَالرَّسُولِ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ

۱- هر که را خداوند از ذلت معصیت به عزت تقوا رساند، از اربادون ثروت، توانگر و بدون داشتن عشیره و قبیله، عزیز و گرامی، و بدون داشتن همسای، ساتوس قرار داده است. [احلی، محشد بن ادریس، مستطرفات السرائر، ص ۵۹۳؛ و نیز ر. کت: ورام، مجموعه ورام، ج ۱، ص ۶۵؛ کلیسی، محشد بن یعقوب، الکافی، ج ۲، ص ۷۷].

۲- بگو: آیا شما را به بهتر از اینها خبر دهم؟ برای کسانی که تقوا پیشه کرده اند نزد پروردگارشان باغ هایی است که از زیر [درختان] آنها تهرها روان است؛ در آن جاودانه بمانند، و همسرانی پاکیزه و [نیز] عشتودی خدا [را دارند]، و خداوند به [امور] بندگان [خود] بیاست. [آل عمران / ۱۵].

وَفِي الرُّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُؤْمِنُونَ بَغْتَدِيهِمْ إِذَا غَاهَدُوا
وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ
هُمُ الْمُتَّقُونَ^۱.

امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام درباره ی ویژگی های رسول خدا صلی الله علیه و آله
چنین آورده اند: «امام من اتقى و بصر [بصيرة] من اهتدى»^۲

پیامبران الهی نیز خود از کودکی متقی بوده اند که به راهبری تقوا
پیشگان برگزیده شده اند:

﴿يَا يَحْيَى خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ وَآتَيْنَاكَ حِكْمًا صَبِيًّا وَخَالْنَا مِنْ لَدُنَّا وَزَكَاةً وَكَانَ
تَقِيًّا﴾^۳.

۳- ایمان به رستاخیز

ایمان به روز جزا و قیامت از آثار تقواست:

﴿وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى
الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ
وَفِي الرُّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُؤْمِنُونَ بَغْتَدِيهِمْ إِذَا غَاهَدُوا
وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ
هُمُ الْمُتَّقُونَ﴾^۴.

این صفت از اولین ویژگی های بارز پروا پیشگان است:

۱- بقره / ۱۷۷.

۲- او پیشوای پارسیان، و چشم پشای هدایت یافتگان است. «اسید رضی، ابوالحسن حسین بن محمد،
نهج البلاغه، ترجمه: شیروانی، علی، خطبه ی ۱۱۶».

۳- های یحیی (خدا) را به جُود و جهد بگیر، و از کودکی به او نبوت دادیم. و [نیز] از جانب
خود، مهربانی و پاکی [به او دادیم] و تقوا پیشه بود. [مریم / ۱۲-۱۳].

۴- بقره / ۱۷۷.

﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ لَازِيماً فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ
الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ
قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ﴾^۱.

ایشان، علاوه بر این که ایمان به آخرت دارند، عذاب آن را باور داشته و
از آن هراسناک اند:

﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَىٰ وَهَارُونَ الْفُرْقَانَ وَضِيَاءَ وَذِكْرًا لِّلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُخَشِنُونَ
رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَهُمْ مِنْ السَّاعَةِ مُخَشِفُونَ﴾^۲.

امیر بیان حضرت علی علیه السلام درباره ی ایشان می فرماید: «نزلت أنفُسُهُمْ
مِنْهُمْ فِي الْبَلَاءِ كَمَا نَزَلَتْ فِي الرُّحَاءِ وَلَوْ لَمْ نَلِ الْأَجَلَ الَّذِي كَتَبَ اللَّهُ لَهُمْ [لَهُمْ]
عَلَيْهِمْ لَمْ تَسْتَقِرُّ أَرْوَاحُهُمْ فِي أَجْسَادِهِمْ طَرْفَةَ عَيْنٍ شَوْقًا إِلَى السَّوَابِ وَ
خَوْفًا مِنَ الْعِقَابِ»^۳.

۴- ایمان به کتب اسمانی

ایمان به کتاب های آسمانی که خداوند بر پیامبران فرو
فرستاده است از آثار تقواست.^۴ در قرآن کریم آمده است که متقین
چنین اند:

۱- این است کسانی که در (حقیقت) آن هیچ تردیدی نیست و مایه ی هدایت تقوا پیشگان است. آنان که
به غیب ایمان می آورند و به آخرت یقین دارند. [بقره / ۲-۴].

۲- و در حقیقت، به موسی و هارون فرقان دادیم و [کتابشان] برای پرمیزگاران روشایی
و اندرزی است. [معان] گمانی که از پروردگارشان در نهان می ترسند و از قیامت هراسناک اند.
[انبیاء / ۴۸-۴۹].

۳- در هنگام بلا و مشقت حالشان همچون هنگام آسایش و رفاه ست، چنان مشتاق بهادش و بیمناک از
عذاب است که اگر نبود زمان مبعیثی که خداوند برای ماندنشان در دنیا مقرر فرموده، لحظه ای روحشان در
بیکرشان قرار نمی گرفت [و سرغ جانشان به سوی ابدیت به پرواز درمی آمد]. «اسید رضی، ابوالحسن
حسین بن محمد، نهج البلاغه، ترجمه: شیروانی، علی، خطبه ی ۱۹۳».

۴- بقره / ۱۷۷.

﴿وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ﴾^۱

﴿وَلَيْكِنَ الْبِرُّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَآتَى السَّبِيلَ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ﴾^۲

۵- ایمان به ملائکه

ایمان به ملائکه‌ی الهی از آثار تقوای حقیقی است که آیات مربوطه در بخش‌های قبل ذکر شد.

۶- بزرگ داشتن شعائر دین

بزرگ داشتن شعائر دین از نشانه‌های تقواست:

﴿ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظِمِ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى التَّلَوُّبِ﴾^۳

یکی از این شعائر نماز است که در قرآن کریم تصریح شده که از پیامدهای تقواست. خداوند درباره‌ی این صفت متقین چنین می‌فرماید: ﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ لَازِبَةً فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ﴾^۴

۱- و آنان که بدانچه به سری تو فرود آمده و به آنچه پیش از تو نازل شده است، ایمان می‌آورند. [بقره/۲]

۲- بقره/۱۷۷.

۳- این است [شعائر خدا] و هر کس شعائر خدا را بزرگ دارد، در حقیقت، آن [حاکمی] از بساکی دل‌هایت، [صح/۳۲].

۴- این است کتابی که در [حقیقت] آن هیچ تردیدی نیست [و] مایه‌ی هدایت تقوایشان است: آنان که به غیب ایمان می‌آورند، و نماز را بر پا می‌دارند، و از آنچه به ایشان روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند. [بقره/۱۷۷-۱۷۹]

۷- انجام معروف

طبق سنت معصومین علیهم‌السلام، یکی از نشانه‌های تقوا پیشگان انجام معروف است: «عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه‌السلام قَالَ كَانَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ علیه‌السلام يَقُولُ إِنَّ لِأَهْلِ الثَّقُوفِ عَلَامَاتٍ يُعْرِفُونَ بِهَا صِدْقَ الْحَدِيثِ وَآدَاءَ الْأَمَانَةِ وَوَفَاءَ بِالْمَهْدِ وَقِلَّةَ الْعَجْزِ وَالبُخْلِ وَصِلَةَ الْأَرْحَامِ وَرَحْمَةَ الضُّعْفَاءِ وَقِلَّةَ الْمُؤَاتَاةِ لِلنِّسَاءِ وَبَسْطَ الْمُتَعَرِّفِ وَ...»^۱

۸- پرداخت زکات

دادن زکات از نشانه‌های متقین است که قرآن کریم بدان تصریح کرده است:

﴿... وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ﴾^۲

۱- «ابو بصیر از حضرت باقر علیه‌السلام نقل نموده که امیرمؤمنان علیه‌السلام می‌فرمود: اصل تقوا عبادت و نشانه‌هایی دارند که با آن شناخته می‌شوند راستی در گفتار، مراعات امانت، پابندی به عهد و پیمان، بخل و عجز و ناتوانی نداشتن، و سرکشی و مراصبه‌ی حال خوریشاوندان، مهرسانی و محبت به ضعیفان، و بسا زندان آمیزش و ارتباط کم داشتن، و بسدل و بخشش، و از کارهای نیک دریغ نداشتن و...» [دبلیسی، حسن بن ابی‌الحسن، اعلام السنین، ص ۱۲۱] مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم‌السلام، ج ۴۷، ص ۲۸۲.

۲- و نماز را برپای دارد، و زکات را بدهد، و آنان که چون عهد بندند، به عهد خود وفادارند و در سختی و زیان، و به هنگام جنگ شکیا یابند، آنانند کسانی که راست گفته‌اند، و آنان همان پرهیزگارانند. [بقره/۱۷۷]

۹- وصیت

یکی از واجبات بر هر فرد مسلمان، وصیت کردن قبل از فرارسیدن مرگ است که خداوند به آن امر کرده است. افراد متقی این واجب را انجام می دهند:

﴿كُتِبَ عَلَيْكُمُ إِذَا خَاصَمْتُمْ أَحَدَكُمُ الْمَوْتَ أَنْ تَتْرَكُوا خَيْرَ الرِّبَاةِ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ خِيفًا عَلَى الْمُتَّقِينَ﴾^۱

۱۰- شکرگزاری

طبق آیات قرآن کریم، یکی از آثار تقوای حقیقی، شکرگزاری از باری تعالی است:

﴿وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾^۲

امام صادق علیه السلام در حدیثی ضمن برشمردن صفات متقین و مؤمنین واقعی چنین می فرماید: «... و فی الرخاء شکور...»^۳

امیرمؤمنان علیه السلام سپاسگزاری را از صفات متقین دانسته که در هنگام به شب ترسان و در خوشی شکرگزار پروردگار خویش اند:

«... يَعْمَلُ الْأَعْمَالَ الصَّالِحَةَ وَهُوَ عَلَى وَجَلٍ يُنْسِي وَهَمَّهُ الشُّكْرُ وَ يُصْبِحُ وَهَمَّهُ الذِّكْرُ يَبِيتُ خَدِيراً وَ يُصْبِحُ فَرِحاً خَدِيراً لِمَا خَدَّرَ مِنَ الْغَفْلَةِ

۱- بر شما مقرر شده است که چون یکی از شما را مرگ فرا رسد، اگر مالی بر جای گذارد، برای پدر و مادر و خویشاوندان [خود] به طور پستدیده وصیت کند؛ [این کار] حقیقی است بر هر میزگاران. [بقره / ۱۸۰]

۲- و یقیناً خدا شما را در [جنگ] بدر - با آن که ناتوان بودید - باری کرد. پس، از خدا پروا کنید، باشد که سپاسگزاری نمایید. [آل عمران / ۱۷۳].

۳- و آسان در خوشی ها سپاس گزار خداوندند... [مجلسی، محقق باقر بن محمد تقی، بحارالانوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام، ج ۴، ص ۲۷۱].

و فرحاً بما أصاب من الفضل و الرخسة إن استصعبت عليه نفسه فيما تكره لم يغلها سؤلها فيما تحب قوة غيبه...»^۱

مولای متقیان علی علیه السلام در بیان شیوای دیگری چنین می فرماید:

«عِبَادَ اللَّهِ أَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ فَإِنَّهَا حَقُّ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ الْمَوْجِبَةُ عَلَى اللَّهِ حَقُّكُمْ وَ أَنْ تَسْتَعِينُوا عَلَيْهِ بِاللَّهِ وَ تَسْتَعِينُوا بِهَا عَلَى اللَّهِ فَإِنَّ التَّقْوَى فِي النَّوْمِ الْحِرْزُ وَ الْجَنَّةُ وَ فِي عَدِ الطَّرِيقِ إِلَى الْجَنَّةِ مَسَلِكُهَا وَ اصْبَحْ وَ سَالِكُهَا رَابِعٌ وَ مُسْتَوْدَعُهَا حَافِظٌ لَمْ تَبْرَحْ غَارِضَةً نَفْسَهَا عَلَى الْأَمَمِ الْمَاضِينَ مِنْكُمْ وَ الْغَابِرِينَ لِخَاجَتِهِمْ إِلَيْهَا عُدَا إِذَا عَادَ اللَّهُ مَا أَبَدَى وَ أَخَذَ مَا أُعْطَى وَ سَأَلَ عَمَّا أَسَدَى فَمَا أَقَلُّ مَنْ قَبَلَهَا وَ حَمَلَهَا حَقُّ حَمَلِهَا أَوْلِيكَ الْفَالِقُونَ عَدَدًا وَ هُمْ أَهْلُ صِفَةِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ إِذْ يَقُولُ ﴿وَ قَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّاكِرُونَ﴾ فَأَهْطُوا بِاسْتِعَانِكُمْ إِلَيْهَا وَ الْطُّوَا بِجِدَّتِكُمْ عَلَيْهَا وَ اغْتَاضُوهَا مِنْ كُلِّ سَلْفٍ خَلْفًا وَ مِنْ كُلِّ مُخَالِفٍ مُوَافِقًا - أَيْقُظُوا بِهَا نَوْمَتَكُمْ وَ أَقْطُوا بِهَا يَوْمَتَكُمْ وَ اشْعُرُوهَا قَلْبِيَّتَكُمْ وَ ارْحَضُوا بِهَا ذَمِّيَّتَكُمْ وَ دَاوُوا بِهَا الْأَسْقَامَ وَ بَادِرُوا بِهَا الْحِمَامَ وَ اغْتَبِرُوا بِمَنْ أَضَاعَهَا وَ لِمَا يَنْتَبِرُنَ بِكُمْ مِنْ أَطَاعَتِهَا أَلَا فَصُولُوهَا وَ تَصَوُّتُوهَا بِهَا وَ كُونُوا عَنِ الدُّنْيَا نَزَاهًا وَ إِلَى الْآخِرَةِ وِلَاهَا وَ لِمَا تَضَعُوا مِنْ رَفَعَتِهِ التَّقْوَى وَ لِمَا تَرْفَعُوا مِنْ رَفَعَتِهِ الدُّنْيَا...»^۲

۱- اعمال نیکو انجام می دهد و ترسان است، روز را به شب می رساند با سپاس گزاری، و شب را به روز می آورد با یاد خدا، شب می خوابد اما ترسان، و بر می خیزد شدادمان، ترس برای این که دچار غفلت نشود، و شادمانی برای فضل و رحمتی که به او رسیده است. اگر نفس او در آنچه دستوار است فرمان نبرد، از آنچه دوست دارد محروم می کند. [سید رضی، ابوالحسن حسین بن محمد، نهج البلاغه، ترجمه: شیروانی، علی، خطبه ی ۱۹۳].

۲- سید رضی، ابوالحسن حسین بن محمد، نهج البلاغه، ترجمه: شیروانی، علی، خطبه ی ۱۹۱.

«بندگان خدا! شما را به تقوای الهی سفارش می‌کنم؛ زیرا تقوا حقی است که خداوند بر شما دارد، و نیز حق شما را بر خداوند واجب می‌سازد. از خداوند برای تقوا یاری بجوید، و از تقوا در برابر [عذاب] خداوند کمک بگیرید، که تقوا امروز سپر و پناهگاه است، و فردا راهی به سوی بهشت است؛ راهی که روشن است، و رونده‌ای سود برنده، و امانت‌دارش [خداوند] حافظ و نگه دارنده.

تقوا همواره نور را بر پیشینان عرضه کرده و بر آیندگان نیز عرضه خواهد کرد؛ زیرا فردای قیامت همگان به آن نیازمندند؛ آن هنگام که خداوند آنچه را آفریده بود باز آورد و آنچه را عطا کرده بود، باز پس گیرد و از آنچه بخشیده بود پرسش نماید. پس چه اندک‌اند کسانی که تقوا را چنان که باید پذیرفته و رعایت کرده‌اند آنان در شمارش پس اندک‌اند، ایشان سزاوار توصیف خدای سبحان‌اند که فرمود:

«اندکی از بندگان من شکر گزارند.»^۱

پس گوش خود را به جانب تقوا فرار دارید، و با تلاش خود بر آن مواظبت کنید و آن را جایگزین آنچه از دست داده‌اید سازید، و تقوا را دلخواه خود شمارید. خود را با تقوا بیدار دارید، و روز خود را با آن بگذرانید، آن را ملازم دل خویش نمایید، و گناهان خویش را با آن بشوید، و بیماری‌ها را با آن درمان کنید، و پیش از رسیدن مرگ به پیشباز آن روید، و از کسی که آن را تباه ساخت پند بگیرید، و مبادا خود مایه‌ی عبرت تقوا پیشگان شوید. هان! تقوا را نگاه دارید و خود را با آن حفظ نمایید. از دنیا پاک و برکنار بمانید و شیفته‌ی آخرت باشید. کسی را که تقوا بالایش برد، پایین نیاورید، و کسی را که دنیا بالایش آورده، دارای مقام والا مشمارید ...»

۱۱- هدایت

طبق آیات قرآن کریم، متقین زمینه‌ی هدایت الهی را دارند: «وَأُولَئِكَ عَلَيْنَا هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»^۱. و در حقیقت، خداوند راه هدایت را به آنان نشان داده است:

«وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ قَوْمًا بَعْدَ إِذْ هَدَاهُمْ حَتَّى يُبَيِّنَ لَهُمْ مَا يَتَّقُونَ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ»^۲

امام علی علیه السلام فرمودند: «هدی من اشعر التقوی قلبه»^۳ و نیز در جایی دیگر کسب تقوا و پارسایی را به کاشت درخت تشبیه فرموده که ثمره‌ی آن چیزی جز هدایت الهی نیست: «مَنْ عَرَسَ أَشْجَارَ التَّقَى جَتَى تَمَّازَ الْهُدَى»^۴ و در خطبه‌ی همام متقین را «در هدایت با نشاط» دانسته‌اند: «و نشاطاً فی هدی»^۵ ایشان، نور تقوا را راهنمای انسان بر شمرده‌اند: «من يطع الله ورسوله یکن سبیل الرشاد سبیله، و نور التقوی دلیله...»^۶ و در جایی دیگر، با تشبیه تقوا به آبی حیات‌بخش، چنین می‌فرمایند: «لَا يَهْلِكُ عَلَى التَّقْوَى سِنْحُ أَصْلٍ وَلَا يَنْظَمُ عَلَيْهَا زَرْعٌ قَوْمٌ»^۷

۱- آنها پند که از هدایتی از جانب پروردگارش برخوردارند و آنها همان رستگارانند. [بقره/ ۵]

۲- خدا بر آن نیست که گروهی را پس از آن که هدایتشان نموده پس راه بگذارد مگر آن که چیزی را که باید از آن پروا کند برایشان بیان کرده باشد. آری، خدا به هر چیزی داناست. [توبه/ ۱۱۵]

۳- آن که تقوا را پرورش دلش قرار داد، راه یافت. [محمّدی ری شهری، معتمد، علم و حکمت در قرآن و حدیث، ترجمه: محمودی، عبد الهادی، ج ۱، ص ۲۶۱-۲۶۰]

۴- آن که نهال‌های تقوا کاشت، میوه‌های هدایت چید. [همان]

۵- [سید رضی، ابوالحسن حسین بن محمد، نهج البلاغه، ترجمه: شیروانی، علی، خطبه‌ی ۱۱۳]

۶- هر که فرمان برد خدا و رسولش راه او راه رشد و نور تقوا و راهنمای او است. [کلینی، معتمد بن بقوب، الکافی، ج ۵، ص ۳۷۱]

۷- «بنیادی که بر پایه‌ی تقوا روییده از بین نرود، و کشتزاری که آب تقوا به آن رسیده نشه نگرده». [مجلسی، معتمد باقر بن محمد تقی، بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام، ج ۷، ص ۱۹]

کوتاه سخن این که هدایت از آثار مترتب بر تقواست.

۱۲- کنترل جوارح

الف) کنترل زبان: طبق سنت ائمه اطهار علیهم السلام، اهل تقوا زبان خود را به کنترل خویش درآورده و لذا از آسیب‌های آن در امان هستند. پروا پیشگان گفتارشان درست^۱ است. ایشان سخن زشت از زبانشان دور و کار زشت از ایشان پنهان^۲ است. مردم را با لقب‌های زشت نمی‌خوانند.^۳ و پیش از آن که شاهدان شهادت دهند، به حق اعتراف می‌کنند.^۴ این‌ها مصادیقی از کنترل زبان است که در روایات بدان تصریح شده است و متقین آنها را دارند.

مولای متقیان علی علیه السلام در سخنی گهربار، وابستگی زیبایی میان کنترل زبان و تقوای الهی را به نمایش گذاشته‌اند:

«رأيت جميع الأخلاء فلم أر خليلاً أفضل من حفظ اللسان، ورأيت جميع اللباس فلم أر لباساً أفضل من الورع، ورأيت جميع الأموال فلم أر مالا أفضل من القناعة، ورأيت جميع البر فلم أر برّاً أفضل من الرحمة والشفقة، وذقت جميع الأطعمة فلم أر طعاماً ألدّ من الصبر.»^۵

۱- «منطقهم الصواب» [سید رضی، ابوالحسن حسین بن محمد، نهج البلاغه، ترجمه: شیروانی، علی، خطبه‌ی ۱۹۳]

۲- «بمبدأ فضته، لبا قوله» [همان].

۳- «و لا يبايز بالأنقاب» [همان].

۴- «يعترف بالحق قبل أن يشهد عليه» [همان].

۵- «من با وجود مشاهده‌ی تمامی دوستان، دوستی بهتر از حفظ زبان، با مشاهده‌ی تمامی لباس‌ها، لباسی زیباتر از تقوا، با دیدن تمامی اسباب، مالی ارزنده‌تر از قناعت، با وجود مشاهده‌ی تمامی احسان‌ها، احسانی برتر از رحمت و مهربانی، و با وجود مشاهده‌ی تمامی غذاها، غذایی گواراتر از صبر نیافتیم» [مشکینی، علی، تحریر المواضع العددیه، ص ۳۹۳].

حضرت علی علیه السلام در کلامی دیگر با ذکر قسم جلاله، متقیان را این گونه به حفظ زبان توصیه می‌فرمایند:

«وَاجْتَمَعُوا اللِّسَانَ وَاحِدًا وَكَيْخَزَنَ الرَّجُلُ لِسَانَهُ فَإِنَّ هَذَا اللِّسَانَ جَمُوحٌ بِصَاحِبِهِ وَاللَّهِ مَا أَرَى عَبْدًا يَتَّقِي تَقْوَى تَنْفَعُهُ حَتَّى [يَخْتَزِنَ] لِسَانَهُ.»^۱

ب) کنترل چشم: از دیدگاه امام علی علیه السلام، تقوا پیشگان چشمان خود را از حرام بیاز می‌دارند: «... غَضُّوا أَبْصَارَهُمْ عَمَّا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ...»^۲

ج) کنترل شکم: طبق مفاد آیات قرآن کریم، آن که تقوای الهی پیشه سازد خداوند خود روزی‌اش را می‌دهد:

«وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا.»^۳
متقین «خواهان روزی حلال»^۴ هستند. ایشان «خوراکشان کم»^۵ و «شهوتشان مرده»^۶ است.

۱- «زبان و دل را همانگ کنید. مرد باید زیباتش را حفظ کند؛ زیرا همانا این زبان سرکش، صاحب خود را به هلاکت می‌اندازد. به خدا سوگند، پرهیزکاری را ندیده‌ام که تقوا برای او سودمند باشد، مگر آن که زبان خویش را حفظ کرده بود.» [سید رضی، ابوالحسن حسین بن محمد، نهج البلاغه، ترجمه: شیروانی، علی، خطبه‌ی ۱۷۶].

۲- «از آنچه خداوند حرام کرده چشم پوشیدند...» [همان، خطبه‌ی ۱۹۳].

۳- «و هر کس از خدا پروا کند، [خدا] برای او راه بیرون شدنی قرار می‌دهد» و از جایی که حسابش را نمی‌کند، به او روزی می‌رساند، و هر کس بر خدا اعتماد کند او برای وی پس است. خدا فرمائش را به انجام رسانده است. به راستی خدا برای هر چیزی اندازه‌ای مقرر کرده است.» [مطابق ۲-۳].

۴- «و طلباً فی حدّ الله» [سید رضی، ابوالحسن حسین بن محمد، نهج البلاغه، ترجمه: شیروانی، علی، خطبه‌ی ۱۹۳].

۵- «شتروراً أكله» [همان].

۶- «ميتة شهوته» [همان].

آثار تقوا در دنیا و آخرت با الهام از آیات قرآن و سخنان اهل بیت علیهم السلام

آثار تقوای شانزدهم

۱۳- کنترل رفتار

طبق سنت مأثور، متقین گفتار را با کردار آمیخته ساخته^۱ و لغزششان اندک و ناچیز^۲ و لباسشان میانه روی^۳ و در عین بی نیازی میانه روی^۴ و در دشواری ها آرام و در ناخوشی ها شکیبا^۵ و آنچه را به او سپارند تباه نمی سازد^۶ و به همسایه زیان نمی رساند^۷ و به مصیبت های دیگران شادمان نمی گردد^۸ و از حق بیرون نمی گردد^۹ و کارهای نیکو می کند و در عین حال، [از عذاب خدا] می ترسد^{۱۰}

امام هادی علیه السلام در سفارش به اصحاب خود فرمودند:

«در هنگام زیارت [قبر امیرمؤمنان] در روز غدیر، سالی که معصم^۱ او را فراخواند، بر سر [قبر] او - که درودهای خداوند بر او باد - می ایستی و می گویی: چه بسیار که تقوا تو را از اجرای تصمیمت باز داشت، ولی غیر تو برای دستیابی بدان، از هوای خویش پیروی کرد، و از این رو، جاهلان پنداشتند که تو در آنچه اتفاق افتاد، ناتوان بودی. به خدا سوگند، کسی که چنین پنداشت، گمراه شد و ره نیافت و تو خود - درود خدا بر تو باد - با این سخت: «بنیاد آگاه به امر می داند چگونه حيله کند؛ اما تقوای الهی مانع اوست. پس، دیده را نادیده می گیرد؛

- ۱- «يُخْرِجُ الْقَوْلَ بِالْعَمَلِ» [همان]
- ۲- «وَتَرَاهُ ... قَلِيلًا زَلَّةً» [همان]
- ۳- «مَتَّعْتَهُمُ الْإِفْتِنَاءَ» [همان]
- ۴- «وَقَصْدًا فِي غَيْبِ» [همان]
- ۵- «فِي الرِّزَالِ وَتَوَرُّوْنَ فِي الشَّكَاوَةِ مَتَبَوِّرًا» [همان]
- ۶- «وَلَا يُضَيِّعُ مَا اسْتَحْفِظَهُ» [همان]
- ۷- «وَلَا يَضَارُّ بِالْجَارِ» [همان]
- ۸- «وَلَا يَشْتَتُّ بِالْمَصْنَبِ» [همان]
- ۹- «وَلَا يُخْرِجُ مِنَ الْحَقِّ» [همان]
- ۱۰- همان.

اما آن که پروای دین ندارد، از آن فرصت سوء استفاده می کند، هرچه را در این میان مبهم بود، برای آنان که دچار توهم و تردید بودند، توضیح دادی. تو راست گفتی و باطل اندیشان زیانکارند^۱

در این روایت، به این حقیقت اشاره گشته که امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام رفتار خود را در جهت خواست و رضای الهی کنترل می نمودند و از خود و خودسرانه عمل نمی کردند. مولای متقیان علی علیه السلام در وصف این خصوصیت متقین می فرماید: «بُعْدُهُ عَمَّنْ تَبَاعَدَ عَنْهُ زُهْدٌ وَتَزَاهَةٌ وَذُؤُوهُ مِمَّنْ دَسَا مِنْهُ لَيْنٌ وَرَخْنَةٌ لَيْسَ تَبَاعُدُهُ بِكِبَرٍ وَعَظْمَةٍ وَكَا ذُؤُوهُ بِمَكْرٍ وَخَدِيعَةٍ»^۲ پرهیزگار نفس او از او در زحمت است و مردم از او در راحتند. خود را پیری آخرتش به رنج افکنده، و مردم را از خویش آسوده ساخته^۳ او اگر خاموش باشد سکوتش او را اندوهگین نمی سازد، و اگر بخندد قهقهه نمی زند^۴

فرد با تقوا، تمام اعمال فکری، عبادی و علمی اش و ... همگی کنترل شده و در مسیر حق است. امام علی علیه السلام فرمودند:

- ۱- محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه‌ی امیرالمؤمنین، ترجمه: مسعودی، عبد الهادی، ج ۲، ص ۳۴۹.
- ۲- «مَتَّقِيْ اِذَا كَسَى دُوْرِيْ كَرِهَ بِهٖ خَاطِرِيْ بِرَغْبَتِيْ بِهٖ دُنْيَا وَوَارِسَتِيْ اَسْتِ، وَ اِذَا خَرَجَ رَا بِهٖ كَسِي تَزِيْدِيْكَ سَاخَتْ اِذَا رَوَى مَلَاحِيْطَ وَرَحْمَتِ اَسْتِ. نَهٗ دُوْرِيْ كَزِيْدَتْنِيْ اِذَا سَرْتَكْبَرُ وَخَوْدِ خَوَاہِيْ اَسْتِ، وَ نَهٗ تَزِيْدِيْكَ كَرَدْتْنِيْ اِذَا رَوَى حِيْلَهٗ وَ فَرِيْبِ» [سید رضی، ابوالحسن حسین بن محمد، نهج البلاغه، ترجمه: شبروانی، علی، خطبه‌ی ۱۹۳]
- ۳- همان.
- ۴- همان.

وَقَاتِلُوا اللَّهَ نَبْئَةَ مَنْ سَمِعَ فُخْشِعَ وَافْتَرَفَ فَاغْتَرَفَ وَوَجِلَ فَعَمِلَ
 وَخَادَرَ قَبَادَرَ وَأَيْقَنَ فَأَحْسَنَ وَغَبَرَ فَأَغْتَبَرَ وَخَدَرَ فَعَدَرَ وَزَجَرَ فَاذْجَرَ
 وَاجَابَ فَأَنَابَ وَرَاجَعَ فَتَابَ وَاقْتَدَى فَاخْتَدَى وَأَرَى فَسَرَى فَاسْرَعَ
 طَالِباً وَنَجَا هَارِباً فَأَفَادَ ذَخِيرَةً وَأَطَابَ سَرِيرَةً وَعَمَّرَ مَعَاداً وَاسْتَظْهَرَ زَاداً
 لِيَوْمِ رَحِيلِهِ وَوَجَّهَ سَبِيلَهُ وَحَالَ حَاجَتَهُ وَمَوَاطِنَ فَاقْتَبَهُ وَقَدَّمَ أَمَانَةَ لِدَارِ
 مُقَامِهِ فَاتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ جِهَةَ مَا خَلَقَكُمْ لَهُ وَأَخَذُوا مِنْهُ كُنْثَةً مَا
 خَدَرَكُمْ مِنْ نَفْسِهِ وَاسْتَحْفُوا مِنْهُ مَا أَعْدَدَ لَكُمْ بِالشُّجْرَةِ عَنْ هَرَبٍ وَرَاقِبَةٍ
 فِي يَوْمِهِ عُدَّةً وَنَظَرَ قَدُماً أَمَانَةَ فَكَفَى بِالْجَنَّةِ نَوَاباً وَنَوَالاً وَكَفَى بِالنَّارِ
 عَقَاباً وَتَوَالاً وَكَفَى بِاللَّهِ مُتَّقِماً وَتَصَبِيراً وَكَفَى بِالْكِتَابِ حَجِيجاً وَ
 خَصِيماً^۱

پس ای بنندگان خدا! تقوای الهی را پیشه سازید، چونان
 تقوای خردمندی که تفکر دلش را مشغول داشت، و بیم از
 عذاب، بدنش را و نجور ساخت و عبادت شبانه، اندکی خواب را
 نیز از او گرفت، و امید به رحمت در اوج گرمای روز، تشنه‌اش
 نگاه داشت، و بی میلی دنیا از شهوات بازش داشت، و ذکر حق
 زبانش را به حرکت واداشت. از پیش در دنیا ترسید تا در
 قیامت در امان باشد و از موانع پیمودن راه روشن هدایت کناره
 گرفت، و برای دستیابی به راه مطلوب میانه‌ترین طریق را پیمود،
 و کبر و غرور، او را از مسیر صحیح باز نگرداند، و امور اشتباه‌انگیز بر
 او مخفی نماند. او به شادمانی بشارت به بهشت، و آسودگی
 نعمت‌ها، در راحت‌ترین خوابگاهش [= قبر] و ایمن‌ترین روزش
 [= قیامت] رسیده، از گذرگاه دنیا به گونه‌ای پستندیده
 گذشته، و سعادت‌مندانه توشه‌ی آخرت را از پیش فرستاده، از روی

الحق شماره‌ی شانزدهم

۱- همان، خطبه‌ی ۸۳

بیم از عذاب به نیکی‌ها مبادرت ورزیده و آن‌گاه که فرصت داشت به
 سوی بندگی شتافت، در طلب خشنودی خدا مشتاق بود، و تمس از
 خدا او را از گناه گریزان نمود، و امروز در اندیشه‌ی فردایش
 بود، و همواره به آینده می‌نگریست. پس بهشت برای ثواب و
 پاداش کافی است، و دوزخ بسرای کیفر و گرفتاری بس
 است. و خداوند برای انتقام گرفتن و یاری رساندن کفایت
 می‌کند، و قرآن برای احتجاج علیه آدمی و دشمنی با انسان بس
 است.

طبق روایت بالا، فرد متقی در تمام زمینه‌ها از مسیر حق بیرون نرفته و
 اعمال او در راه خدا کنترل و جهت‌دهی شده است. هرآنچه که از
 اعمال آمیخته به تقوا باشد مقبول است؛ امام علی علیه السلام فرمودند: **وَكَا
 يَقِلُّ عَمَلٌ مَعَ النَّسْوَى وَ كَيْفَ يَقِلُّ مَا يَقْبَلُ.**^۱ و عملی که تقوا داشته باشد،
 مورد پذیرش است، حتی اگر اندک باشد:

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ غَثَمَانَ بْنِ
 عَيْسَى عَنْ مُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ قَدْ كَرْنَا الْأَعْمَالَ
 فَقُلْتُ إِنَّمَا مَا أضعفَ عَمَلِي فَقَالَ مَهْ اسْتَغْفِرِ اللَّهَ ثُمَّ قَالَ لِي إِنَّ قَلِيلَ
 الْعَمَلِ مَعَ النَّسْوَى خَيْرٌ مِنْ كَثِيرِ الْعَمَلِ بِلَا تَقْوَى قُلْتُ كَيْفَ يَكُونُ كَثِيرٌ
 بِلَا تَقْوَى قَالَ نَعَمْ مِثْلُ الرَّجُلِ يُطْعِمُ طَعَانَهُ وَيُرَفِّقُ جِيرَانَهُ وَيُؤْطَى
 رَحْلَهُ فَإِذَا ارْتَفَعَ لَهُ الْبَابُ مِنَ الْحَرَامِ دَخَلَ فِيهِ فَهَذَا الْعَمَلُ بِلَا تَقْوَى وَ
 يَكُونُ الْآخِرُ لَيْسَ عِنْدَهُ فَإِذَا ارْتَفَعَ لَهُ الْبَابُ مِنَ الْحَرَامِ لَمْ يَدْخُلْ فِيهِ^۲

۱- هیچ کاری با تقوا اندک نیست و چگونه اندک است آنچه پذیرفته شود. [همان، حکمت ۹۵]
 ۲- در کار نیک به اندک خشنود نمی‌شوند و طاعت فراوان را زیاد نمی‌شمارند. خود را به کوتاهی
 در بندگی متهم می‌سازند، و از اعمال خویش بی‌مناکند. هرگاه یکی از ایشان را به پاک‌ و وارستگی
 توصیف کنند از آنچه درباره‌ی او می‌گویند بترسد و گویند: من خود را بهتر از دیگران می‌شاسم و

آثار تقوا در دنیا و آخرت با الهام از آیات قرآن و سخنان اهل بیت علیهم السلام

مفضل بن عمر گوید: خدمت امام صادق علیه السلام بودم که موضوع اعمال مطرح شد، من گفتم: عمل من چه اندازه کم و ضعیف است؟ حضرت علیه السلام فرمودند: خاموش باش، از خدا آمرزش بخواه. آن گاه فرمود: عمل کم با تقوا بهتر از عمل بسیار بی تقوا است. عرض کردم: چگونه عمل بسیار بی تقوا می باشد؟ فرمود: آری، مانند مردی که از غذای خود به مردم می خوراند و با همسایگانش مهربانی می کند و در خانه اش باز است، ولی چون دری از حرام به نظرش رسد بدان در آید، این است عمل بدون تقوا، و دیگری هست که اینها را ندارد، ولی چون در حرامی بنظرش رسد، بدان وارد نشود.^۱

۱۴- تهذیب نفس

تقوا پیشگی، سالک طریق الی الله را در پیمودن این مسیر، بسیار کمک می کند. امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام فرمودند: «بزار خودسازی پرهیزگاری است.»^۱ و نیز فرمودند: «پروای الهی دوی درد دل هایتان، بینایی کوری قلبتان، شفای بیماری جسمتان، اصلاح فساد سینه هایتان، پاکسازی پلییدی جانتان، صیقل پردهی دیدگانتان، آرامش پی تابی دروتان، و روشنایی سیاهی تاریکی تان است.»^۲

پروردگام مرا بهتر از خودم می شناسد. پروردگارا، مرا به سبب آنچه دربارم می گویند مؤاخذه مکن، و بهتر از آنچه در حقم گمان می برند قرارم ده، و بر من بخشای آن گاهاتم را که مردم از آن بی خیرند. [کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، ج ۲، ص ۱۷۷ قسی، علی بن ابراهیم، تفسیر القسی، ج ۲، ص ۸۴].

۱- محمدی ری شهبازی، محمد، دانشنامه‌ی امیرالمؤمنین، ترجمه: سلطانی، محمدعلی، ج ۱، ص ۲۲۷.
۲- همان.

فرد متقی از دیدگاه مولی الموحدین علی علیه السلام، نفسش آن گونه به تقوا آراسته و تهذیب یافته است که از هواها و خواهش های نفسانی اش پیروی نمی کند: «وَلَا يَقِلُّ عَمَلُ مَعَ التَّقْوَىٰ وَ كَيْفَ يَقِلُّ مَا يُتَّقَلُ إِنْ اسْتَضَعَّتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ فِيمَا تَكْرَهُ لَمْ يُنْظِهَا سَوْلَهَا فِيمَا تُحِبُّ...»^۱

انسان پرهیزگار و متقی آن قدر نفس خویش را با آب عبادت و تقوا صیقل داده است که حتی از کم ترین توصیف و انصاف به تقوا نیز ترسان و گریزان است؛ چرا که نفسش را در درون به افسار خویش کشیده است و آن را از هر بدی و گزئی هموار کرده و تهذیب داده است:

«وَلَا يَقِلُّ عَمَلُ مَعَ التَّقْوَىٰ وَ كَيْفَ يَقِلُّ مَا يُتَّقَلُ لَأَيُّضُونَ مِنْ أَعْمَالِهِمُ الْقَلِيلَ وَ لَأَيُّضُونَ الْكَثِيرَ فَهُمْ لِأَنْفُسِهِمْ مُتَهِمُونَ وَ مِنْ أَعْمَالِهِمْ مُشْفِقُونَ إِذَا رُكِبَ أَحَدٌ مِنْهُمْ خَافَ مِمَّا يَقَالُ لَهُ قَيُّوْلُ أَنَا أَعْلَمُ بِنَفْسِي مِنْ غَيْرِي وَ رَأَى أَعْلَمُ بِبِي مِمَّنِي بِنَفْسِي اللَّهُمَّ لَا تُؤَاخِذْنِي بِمَا يَقُولُونَ وَ اجْعَلْنِي أَفْضَلَ مِمَّا يَنْظُنُونَ وَ اغْفِرْ لِي مَا لَا يَغْفِرُونَ.»^۱

۱- «اگر نفسش از او در آنچه بر وی سنگین است پیروی نکند، آنچه نفسش دوست می دارد در اختیارش نمی گذارد.» [سید رضی، ابوالحسن حسین بن محمد، نهج البلاغه، ترجمه: شیروانی، علی، خطبه‌ی ۱۹۲].

۲- «در کار نیک به تداک خشنود نمی شوند و طاعت فراوان را زیاد نمی شمارند. خود را به کوتاهی در بندگی متهم می سازند، و از اعمال خویش یمنانکنند. هرگاه یکی از ایشان را به پاکی و وارستگی توصیف کنند از آنچه درباره‌ی او می گویند برسد و گویند: «من خود را بهتر از دیگران می شناسم و پروردگام مرا بهتر از خودم می شناسد. پروردگارا، مرا به سبب آنچه دربارم می گویند مؤاخذه

چه بسیار از مؤمنین و متقینی که ورودشان به جرگه‌ی ایمان و تقوا و پارسایی، طریق توبه بوده است؛ از دیدگاه امام علی (علیه السلام) تقوا دروازه‌ی هر توبه‌ای است:

«أَوْصَاكُمْ بِالتَّقْوَى وَجَعَلَ التَّقْوَى مَتْنِي رِضَاةٍ وَالتَّقْوَى بَابُ كُلِّ تَوْبَةٍ وَرَأْسُ كُلِّ حِكْمَةٍ وَشَرَفُ كُلِّ عَمَلٍ بِالتَّقْوَى فَاتَّقُوا مَنْ قَاتَى مِنَ الْمُتَّقِينَ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى - إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا وَقَالَ وَيُنَجِّي اللَّهُ الَّذِينَ اتَّقَوْا بِمَفَازَتِهِمْ لَا يَمَسُّهُمُ السُّوءُ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ فَاتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ وَأَغْلَمُوا إِنَّهُ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا مِنَ الْفِتَنِ وَيُسَدِّدْهُ فِي أُمْرِهِ وَيَهَيِّئْ لَهُ رِشْدَهُ وَيُفْلِحْهُ بِحُجَّتِهِ وَيَبَيِّضْ وَجْهَهُ وَيُعْطِهِ رِغْبَتَهُ - مَعَ الَّذِينَ اتَّقَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا»^۱

«شما را به پرهیزگاری سفارش نموده که تقوا نهایت خشنودی او، دروازه‌ی توبه، سرآمد هر حکمت، و شرف هر کاری است، پرهیزگاران رستگار شدند. خداوند تبارک و تعالی فرماید: «رستگاری برای پرهیزگاران است.» [نبا/ ۳۱] و فرماید: «خداوند آنها را که تقوا پیشه ساختند با اسباب نجاتشان (عمل‌های شایسته) نجات بخشد، نه هیچ بدی به آنها رسد و نه اندوهگین شوند.» [زمر/ ۶۱]. بندگان خدا! از خدا پروا کنید و بدانید هر که از خدا پروا کند، خدا راهی برای بیرون شدن از فتنه‌ها به رویش بگشاید، در کارها صلاح و سدادش را به وی بنماید، وسیله‌ی هدایتش را آماده سازد، حجت و برهانش را پیروز

مکن، و بهتر از آنچه در حکم گمان می‌برند فراهم ده، و بر من بیشای آن گناهانم را که مردم از آن بی‌خبرند» [همان].

۱- حرآئی، این شعبه، تحف العقول من آل الرسول، ص ۲۳۲.

گردانند، رو سفیدش کند و خواسته‌هایش را عطا فرماید، با آن‌ها که خدا نعمتشان بخشیده، یعنی پیامبران (صدیقان) راستی پیشگان، گواهان و شایستگان [همنشین باشد] و چه خوش رفیقانی هستند»^۱.

۱۶- دوری از شبهات

تقوا نگه‌دارنده‌ی انسان پرهیزگار از افتادن در سیاهچال شبهات است؛ امام علی (علیه السلام) پس از این‌که در مدینه بسا او بیعت شد، چنین فرمودند: «ذُمَّتِي بِمَا أَقُولُ رَهِينَةً وَأَنَا بِهِ رَعِيمٌ إِنَّ مَنْ صَرَخَتْ لَهُ الْمِرَّةُ عَمَّا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْمُتَلَسَّاتِ حَزَنَتْهُ التَّقْوَى عَنِ تَقْحُمِ الشُّبُهَاتِ...»^۱

ایشان در جای دیگری غامل بازدارنده‌ی اولیای الهی از ارتکاب به گناه و معصیت را تقوا دانسته و می‌فرمایند:

«عِبَادَ اللَّهِ إِنَّ تَقْوَى اللَّهِ حَمَتٌ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ مَحَارِمَةٌ وَالْزَمَتٌ قُلُوبَهُمْ مَخَافَتُهُ حَكْمٌ أَسْهَرَتْ لُبَابَهُمْ وَأَظْمَأَتْ هَوَاجِرَهُمْ فَأَخَذُوا الرَّاحَةَ بِالصَّبْرِ وَالرَّيِّ بِالظَّمِّ وَاسْتَقْرَبُوا الْأَجَلَ قَبَادِرُوا الْعَمَلَ وَكَذَّبُوا الْأَمَلَ فَلَا خَطْبُ الْأَجَلِ»^۲

۱- آنچه می‌گویم، بر عهده می‌گیرم و حود، بدان ضمانت. آن کسی که از عقوبت‌های مفاصل دیدگانش عبرت گیرد، تقوا او را از افتادن در شبهه‌ها نگه دارد. [محمّدی ری‌شهری، محمّد، دانشنامه‌ی امیرالمؤمنین، ترجمه: مهریزی، مهدی، ج ۴، ص ۱۵۴].

۲- بندگان خدا! تقوای الهی اولیای خود را از ارتکاب محرمات باز داشت و دلشان را با ترس از خدا همسره ساخت به گونه‌ای که شب‌ها بیدارشان می‌دارد، و در گرمای روز به روزه وامی‌دارد، پس آسایش فردا را با رنج امروز و سیرابی فردا را با تشنگی امروز به دست آوردند. مرگ را نزدیک شمردند و به عمل نیکو مبادرت ورزیدند، آرزو را دروغ دانستند و مرگ را در نظر

متقین بنا در کنترل قرار دادن اعمال خود، حتی در حق دشمن خویش نیز ستم روا نمی‌دارند: **لَا يَجِبُ عَلَيَّ مِنْ يَبْغِضُ وَلَا يَأْتُمُ فِيمَنْ يَحِبُّهُ** ۱

آری، تقوا همچون دژ مستحکمی انسان پارسا و پرهیزگار را در خود از ارتکاب به گناه و بدی حفظ و مصون داشته و از ورود نیش زهر آگین گناه بر قلب متقی جلوگیری می‌کند: **قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اَعْلَمُوا عِبَادَ اللَّهِ أَنَّ التَّقْوَى حِصْنٌ حَصِينٌ وَالْفُجُورَ حِصْنٌ ذَلِيلٌ لَا يَمْنَعُ أَهْلَهُ وَلَا يَحْرِيضُ مَنْ لَجَأَ إِلَيْهِ أَلَا وَبِالتَّقْوَى تَقَطُّعُ حُمَةِ الْخَطَايَا...** ۲ و از همه مهم‌تر آن که، امام متقیان علی علیه السلام در سخن شیوایی در تفسیر آیه‌ی دوم سوره‌ی طلاق چنین می‌فرماید: **«اَعْلَمُوا أَنَّهُ وَوَمَنْ تَشَقَّى اللَّهُ يَجْتَلِ لَهَا فَخْرًا جَاءَ مِنْ الْفِتَنِ وَتَوْرًا مِنْ الظُّلْمِ...»** ۳

آورنده: [سید رضی، ابوالحسن حسین بن محمد، نهج البلاغه، ترجمه: شیروانی، علی، خطبه‌ی ۱۱۴]

۱- انسان متقی بر آن که دشمن می‌دارد ستم نمی‌کند، و دربارهی آن که دوستش دارد مرتکب گناه نمی‌شود. [سید رضی، ابوالحسن حسین بن محمد، نهج البلاغه، ترجمه: شیروانی، علی، خطبه‌ی ۱۹۳]

۲- های بنده‌گان خدا! بدانید پرهیزگاری دژی است استوار و بدکاری قلعه‌ایست سست و ناپایدار که سسکانش را نگهبانی نکند و پانصدگانش را محفوظ نگذارد. همان‌ها بنا پرهیزگاری است که نیش زهر آگین خطاها کشنده شده [حرآمی، ابن شعیبه، نصف النور عن آل الرسول، ص ۲۲۳]

۳- بدانید هر کس تقوای الهی پیشه کند [خداوند] برایش راه خروجی از فتنه‌ها و نوری از تاریکی‌ها قرار می‌دهد. [محدثی ری شهری، محمد، علم و حکمت در قرآن و حدیث، ترجمه: مسعودی، عبدالهادی، ح ۱، صص ۲۶۰-۲۶۱]

اخلاق، شماره‌ی شانزدهم

۱۷- علم آموزی

از دیدگاه امام علی علیه السلام، یکی از خصوصیات تقوا پیشگان، دانایی و ذکاوت است؛ چرا که آنان در کسب علم و دانش حریص‌اند: **«حَرِيصًا فِي عِلْمٍ وَعِلْمًا فِي حِلْمٍ»** ۱ البته آنان تنها در کسب علمی حریص‌اند که آنان را به خدا نزدیک می‌گرداند: **«قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ لِأَهْلِ التَّقْوَى عِلْمَاتٍ يُعْرِفُونَ بِهَا... وَاتَّبَاعَ الْعِلْمِ وَمَا يُقْرَبُ إِلَيْهِ عَزْرًا جَلًّا»** ۲

از سفارش‌های حضرت خضر علیه السلام به حضرت موسی علیه السلام است که: «بر دلت جامه‌ی پرهیزگاری بپوشان تا به دانش برسی» ۳ از دیگر سو، امام علی علیه السلام فرمودند: «دانش جز به پرهیزگاری پاکیزه نگردد» ۴ آری، صریح آیه‌ی قرآن، تقوا را موجب فرقان، یعنی علم تشخیص حق از باطل، معرفی می‌کند:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَشَاءُوا اللّٰهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَيُخَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللّٰهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ» ۵

امام خمینی رحمته الله درباره‌ی رابطه‌ی علم و تقوا چنین آورده‌اند:

- ۱- «متقین» حریص در دانش و برخوردار از دانایی همراهِ بنا بردباری هستند [سید رضی، ابوالحسن حسین بن محمد، نهج البلاغه، ترجمه: شیروانی، علی، خطبه‌ی ۱۹۳]
- ۲- دیلمی، حسن بن ابی الحسن، اعلام التبین، ص ۱۲۱.
- ۳- محدثی ری شهری، محمد، علم و حکمت در قرآن و حدیث، ترجمه: مسعودی، عبدالهادی، ح ۱، صص ۲۶۰-۲۶۱.
- ۴- همان.
- ۵- های کسانی که ایمان آورده‌اند، اگر از خدا پروا دارید، برای شما [نیروی] تشخیص [حق از باطل] قرار می‌دهد و گناهاتشان را از شما می‌زداید و شما را می‌آسزده و خدا دوا‌ی بخشش بزرگ است

[انفال/ ۲۹]

آثار تقوا در دنیا و آخرت با الهام از آیات قرآن و سخنان اهل بیت علیهم السلام

«و این که جناب ربوی جل جلاله در کریمه مبارکه می فرماید: ﴿وَاتَّقُوا اللَّهَ وَيُعَلِّمُكُمُ اللَّهُ﴾^۱ تعلیم الهی را مربوط به تقوا فرموده برای همین است که تقوا صفای نفس دهد و آن را به مقام غیب مقدس مرتبط کند، پس تعلیم الهی و القای رحمانی واقع گردد؛ زیرا که در مبادی عالیّه بخل محال است و آنها واجب الفیاضیه هستند، چنانچه واجب الوجود بالذات واجب از جمیع حیثیات است.»^۲

۱۸- خوردگرایی

امام باقر علیه السلام تقوا را سبب خردورزی و ممانع کوری و نادانی می داند: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقْبَلُ يَقْبَلُ بِالتَّقْوَى عَنِ الْعَبْدِ مَا عَزَبَ عَنْهُ عَقْلُهُ وَ يُجَلِّي بِالتَّقْوَى عَنْهُ عَمَاءَ وَ جَهْلَهُ...»^۳ در قرآن نیز آمده است: ﴿وَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ﴾^۴

۱۹- صبر و شکیبایی

طبق آیات قرآن کریم، از آثار تقوا، صبر است: ﴿وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَجِبِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ﴾^۵

۱- بقره / ۲۸۲

۲- موسوی خمینی، سید روح الله، شرح چهل حدیث (اربعین حدیث)، ص ۳۳۳.

۳- خداوند بزرگ به سبب تقوا آنچه را از چشم خرد بنده دور ماند، نگه دارد و با تقوا، کوری و نادانی را از او دور گرداند. [محتدی ری شهری، محدث، خوردگرایی در قرآن و حدیث، ترجمه: مهریزی، مهدی، ص ۳۲-۳۱]

۴- و ای خردمندان! از من پروا کنید. [بقره / ۱۹۷]

۵- و در سختی و زحمت، و به هنگام جنگ شکیبایند، آناند کسانی که راست گفته اند، و آنان همان برهیزگارانند. [بقره / ۱۷۷]

امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام نیز صبر را از آثار تقوا می دانند. از منظر ایشان، متقی در سختی شکیباست: «وَ صَبْرًا فِی شِدَّةٍ»^۱ و آنان به واسطه صبر و شکیبایی شان در تحمل سختی ها و مشکلات گذرای دنیوی، به معامله ای سودمند با خداوند در می آیند: «صَبَرُوا أَيَّامًا قَصِيرَةً أَغْفَبْتُ لَهُمْ رَاحَةً طَوِيلَةً تَجَارَةً مَرْبِحَةً يَسْرَهَا لَهُمْ رَبُّهُمْ...»^۲؛ چرا که خداوند انتقام گیرنده ی حق صابریں از ستمکاران است: «وَ إِنْ يَغِي عَلَيْهِ صَبْرٌ حَتَّى يَكُونَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي يَنْتَقِمُ لَهُ.»^۳

۲۰- یقین

از آثار تقوا، یقین است. امام علی علیه السلام درباره ی یقین اهل تقوا به عذاب و پاداش اخروی چنین می فرماید: «فَهُمْ وَالْجَنَّةُ كَمَنْ قَدْ رَأَاهَا فَهُمْ فِيهَا مُنْعَمُونَ وَ هُمْ وَالنَّارُ كَمَنْ قَدْ رَأَاهَا فَهُمْ فِيهَا مُعَذَّبُونَ.»^۴

۱- سید رضی، ابوالحسن حسین بن محمد، نهج البلاغه، ترجمه: شیروانی، علی، خطبه ی ۱۹۳.

۲- «روزهایی است که شکیبایی کردند که برایشان آسایشی بلند مدت را به ارمغان آورد، و این معامله ای سودبخش است که خداوند برایشان فراهم ساخت...» [سید رضی، ابوالحسن حسین بن محمد، نهج البلاغه، ترجمه: شیروانی، علی، خطبه ی ۱۹۳]

۳- «اگر به او ستم شود شکیبایی می رود تا انتقامش را خداوند بگیرد.» [همان]

۴- «بهشت برای آنان چنان است که گویی آن را دیده اند، و از نعمت های آن برخوردارند، و آتش دوزخ برایشان چنان است که گویی آن را دیده اند و عذاب آن را می چشند.» [همان]

آثار تقوا در دنیا و آخرت با الهام از آیات قرآن و سخنان اهل بیت علیهم السلام

مرتبه‌ی پایین‌تر از آن این است که آدمی باور داشته باشد و پرده‌های پاک‌ی را نبرد. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «اتق الله بعضَ النَّفْسِ وَإِنْ قَلَّ وَاجْتَمَلْ يَتَنَكَّ وَبَيْنَ اللَّهِ سِتْرًا وَإِنْ رَقَّ» وَاَلَا وَبِالتَّقْوَى تَقْطَعُ حُمَةَ الْخَطَايَا وَبِالتَّقْوَى تُدْرِكُ الْغَايَةَ الْقُضْوَى ...»^۱

۲۶- صداقت

صداقت و راستگویی از نشانه‌های بارز تقوا پیشگان است:

﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ﴾^۲

رابطه‌ی میان تقوا و صداقت، رابطه‌ای تعاملی و دوسویه است:

﴿وَالَّذِي جَاء بِالصِّدْقِ وَصَدَّقَ بِهِ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ﴾^۳

از دیدگاه امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام نیز صداقت از نشانه‌های تقوای پیشگان است. ایشان در حدیثی، اولین نشانه‌ی اهل تقوا را راستی در گفتار دانسته‌اند: «إِنَّ لِأَهْلِ التَّقْوَى عَلَامَاتٍ يُعْرَفُونَ بِهَا صِدْقُ الْحَدِيثِ ...»^۴

۱- از خدا بترس هر چند اندک و میان خود و خدا پرده‌ای قرار ده هر چند نازک؛ [همان، حکمت ۲۴۲]

۲- آگاه باشید با پرهیزکاری، ریشه‌های گناهان را می‌توان برید، و با یقین می‌توان به برترین جایگاه معنوی، دسترسی پیدا کرد... [همان، خطبه‌ی ۱۹۳]

۳- ... آنانند کسانی که راست گفته‌اند، و آنان همان پرهیزگارند. [بقره/۱۷۷]

۴- و آن کسی که راستی آورد و آن را باور نمود آنانند که خود پرهیزگارند. [زمر/۲۳]

۵- همانا برای پرهیزگاران نشانه‌هایی است که به آنها شناخته می‌شوند، [یکی از این نشانه‌ها] راست گفتاری است و... [دیلمی، حسن بن ابی الحسن، اعلام‌الذین، ص ۱۲۲]

۲۲- زهد

از نشانه‌های متقین، زهد و بی‌رغبتی آنان به دنیای مذموم است. از دیدگاه مولای متقیان حضرت علی علیه السلام متقی «آرزویش کوتاه» و بی‌تمایل به لذت‌های ناپایدار دنیوی است: «... قُلُوبُهُمْ مَخْرُومَةٌ وَ شُرُورُهُمْ مَأْمُونَةٌ وَ اجْتِنَادُهُمْ نَجِيفَةٌ وَ حَاجَاتُهُمْ خَفِيفَةٌ وَ أَنْفُسُهُمْ عَفِيفَةٌ... أَرَادَتْهُمْ الدُّنْيَا فَلَمْ يُرِيدُوهَا وَ أَسْرَتْهُمْ فَفَدَوْا أَنْفُسَهُمْ مِنْهَا... قُرْءٌ عَلَيْهِ فِيمَا لَا يَزُولُ وَ زَهَادَةٌ فِيمَا لَا يَبْقَى...»^۱ ایشان، به تبعیت از کلام امیرمؤمنان علیه السلام، علایق و وابستگی‌های خود به دنیا را بریده‌اند: «... فَقَطَّعُوا عِلَاقَ الدُّنْيَا وَ اسْتَظْهَرُوا بِزَادِ التَّقْوَى ...»^۲

مولای متقیان در سفارشی تمثیلی به جابر، دنیا را گذرا و همچون آفتاب بعد از ظهر، زودگذر و فانی معرفی کرده که تنها با تقویان فریب‌زیایی آن را نخواهند خورد:

وَ اعْلَمْ يَا جَابِرُ أَنَّ أَهْلَ التَّقْوَى أَبْسَرُ أَهْلِ الدُّنْيَا مُنُونَةٌ وَ أَكْثَرُهُمْ لَكِنَّ مَعُونَةٌ تَذَكَّرُ فَيَعِينُونَكَ وَ إِنْ نَسِيتَ ذَكَرُوكَ قَوْلًا كَوْنٍ بِأَمْرِ اللَّهِ قَوْلًا مَوْنٌ عَلَى أَمْرِ اللَّهِ فَطَعُمُوا مَحَبَّتَهُمْ بِمَحَبَّةِ رَبِّهِمْ وَ وَخَشُوا الدُّنْيَا لِطَاعَةِ تَلِيكِهِمْ وَ نَظَرُوا إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ إِلَى مَحَبَّتِهِ بِقُلُوبِهِمْ وَ عَلِمُوا أَنَّ ذَلِكَ هُوَ الْمَنْظُورُ إِلَيْهِ لِتَعْظِيمِ شَأْنِهِ فَاتَّزَلَّ الدُّنْيَا كَمَنْزِلِ نَزَلَتْهُ ثُمَّ ارْتَحَلَتْ

۱- سید رضی، ابوالحسن حسین بن محمد، نهج‌البلاغه، ترجمه: شیروانی، علی، خطبه‌ی ۱۹۳]

۲- ددل‌هایشان اندوهگین، مردم از آزارشان در امانی، پیکر‌هایشان نجیف، نیاز‌هایشان ناچیز و جان‌شان پاک و با عفت است... دنیا، بند اسارت خویش را به آنان بست، ولی آنان جان‌شان را هدیه دادند [و خود را از این بند رها ساختند]... روشیایی چشمش در لذتی است که جلودان است، و علم تمایلی به لذتی است که ناپایدار است... [همان]

۳- ... پس رسته‌های علاقه‌ی خود را از دنیا قطع کنید و بر توشه‌ی تقوا تکیه نمایید... [همان، خطبه‌ی ۲۰۴]

آثار تقوا در دنیا و آخرت با التمام از آیات قرآن و سخنان اهل بیت علیهم السلام

غَنَةً أَوْ كَمَالًا وَجَدْتَهُ نَفْسِي مَنَامِكًا فَاشْتَيْقَظْتُ وَ لَيْسَ مَعَكَ مِثْلُ شَيْءٍ
إِنِّي [إِنَّمَا] حَسْرَتٌ لَكِنَّ هَذَا مَثَلًا لَهَا عِنْدَ أَهْلِ اللَّسْبِ وَاللِّمَمِ بِاللَّهِ
كَفَى الظَّلَالِ ...

و میدان ای جابر که اهل تقوا کم هزینه ترین اهل دنیا هستند و تو را از همه بیشتر یاری کنند، تا تذکر دهی یاریت کنند و اگر فراموش کنی یادت آورند. امر خدای را گویند و بر امر خدا ایستادگی دارند. برای دوستی پروردگارشان دل از همه چیز کنده و به خاطر اطاعت مالکک خویش از دنیا در هراسند و از صمیم دل به سوی خدای عزوجل و محبت او متوجه گشته و دانستند که هدف اصلی همین است، به خاطر عظمت شأنی که دارد. پس دنیا را چون بار اندازی دان که در آن بار انداخته و سپس کوچ خواهی کرد. یا مانند ترقی و کمالی که در خواب به آن رسیده و چون بیدار شده ای چیزی از آن نداری. من این را به عنوان مثل برایت گفتم؛ زیرا دنیا در نظر خردمندان و خداشناسان مانند سایه‌ی بعد از ظهر است.

۲۳- مسرت

اهل تقوا مسرت و آرامش روحی داشته و هیچ گونه حزن و اندوه و بیمی در دل ندارند:

﴿فَمَنْ آتَقَى وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾^۱ «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ﴾^۲

۱- پس هر کس به پرهیزگاری و صلاح گراید، نه بیمی برآنان خواهد بود نه اندوهگین می شوند. ایشان از دوستان خدا هستند. [اعراف / ۳۵]

۲- آگاه باشید، که پر دوستان خدا نه بیمی است و نه آنان اندوهگین می شوند. همانان که ایمان آورده و پرهیزگاری ورزیده‌اند. [یونس / ۶۲ - ۶۳]

آری، تقوایشگان هیچ گونه ضرری به آنان نرسد و غمگین نگردند:
﴿وَيُنَجِّي اللَّهُ الَّذِينَ اتَّقَوْا بِمَفَازَتِهِمْ لَا يَمَسُّهُمْ السُّوءُ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾^۱

۲۴- تواضع

از ویژگی‌های اهل تقوا، تواضع و فروتنی است. از منظر امام علی علیه السلام، متقین رفتارشان همراه با فروتنی^۲ است و به خاطر این تواضع و فروتنی درونی، آنچه را به یادش آورده‌اند فراموش نمی‌کنند.^۳ و گوش خود را وقف شنیدن دانش سودمند ساختند.^۴ طبق سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: «خداوند برتری را در تقوا دانسته است، در حالی که مردم آن را در نسب و حسب می‌خواهند، و کسی به دست نمی‌آورد.»^۵

از دیگر سوء، آنان که متقی نیستند کبر و غرور سراسر وجود ایشان را فرا گرفته است. امیرمؤمنان علیه السلام خطاب به معاویه چنین فرمودند: «و اما این که مرا به تقوا خوانده‌ای؛ پس امیدوارم که اهل آن باشم و به خدا پناه می‌برم از ایسن که در زمره‌ی کسانی در آییم که هر

۱- «و خدا کسانی را که تقوا پیشه کرده‌اند، به [پاس] کارهایی که مایه‌ی رستگاری‌شان بوده، نجات می‌دهد. عذاب به آنان نمی‌رسد و غمگین نخواهند گردیده. [زمر / ۶۱]

۲- «و مشیهم التواضع». [سید رضی، ابوالحسن حسین بن محمد، نهج البلاغه، ترجمه: شیروانی، علی، خطبه‌ی ۱۹۳]

۳- «وَلَا يَتَّقِي مَا دُكِّرَ». [همان]

۴- «وَوَقَّفُوا أَسْتَاغْتَهُمْ عَلَى الْعِلْمِ النَّافِعِ لَهُمْ». [همان]

۵- «رَوَى عَنْ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله و سلم؛ قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ: وَضَعْتُ خَمْسَةَ فِئِ خَمْسَةٍ... وَوَضَعْتُ الْفَخْرَ فِئِ النَّفْسِ وَ النَّسَابِ يَطْلُبُونَ بِالْإِتْسَابِ فَلَا يَجِدُونَ ...». [احسانی، ابن ابی جمهور، عروالی اللسانی، ج ۱۴ ص ۶۱]

آثار تقوا در دنیا و آخرت، با الهام از آیات قرآن و سخنان اهل بیت علیهم السلام

گاه به تقوا فرمان داده می‌شوند، غرور گناه ایشان را فرا می‌گیرد.^۱
کوتاه سخن این که، تواضع از مهم‌ترین آثار رفتاری تقوا است.

۲۵- اخلاق نیکو

از علامات و نشانه‌های تقوا، اخلاق نیکو است: «عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ كَانَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام يَقُولُ إِنَّ لِأَهْلِ الْقُصَى عِلْمَاتٍ يُعْرِفُونَ بِهَا... وَحَسَنُ الْخَلْقِ وَ...»^۱

از منظر امام علی عليه السلام، فرد بنا تقوا، خشمش را فرو خورده است،^۲ بردباری‌اش را به دانش آمیخته است،^۳ و دارای سپه‌ای گشاده و حلیم است.^۴

یکی از نموده‌های اخلاق نیکو، دوستی است که متقین در این دنیا با همدیگر دوست هستند و دوستی ایشان در آخرت هم پایدار است:

﴿الْأَخْلَاءُ يُؤْتِيهِمْ لِيُغْضِبُوا عَدُوَّ الْآمِنِينَ﴾^۵

- ۱- محمّدی ری‌شهری، محمّد، دانشنامه‌ی امیرالمؤمنین، ترجمه: حسینی، ابوالقاسم، ژرف‌ساز، ص ۱۱۳.
- ۲- دیلمی، حسن بن ابی‌الحسن، اعلام‌الدین، ص ۱۲۱.
- ۳- قرآن، مَنَشَأَ شَهْرَتَهُ مَكْتُومًا غَيِّظَهُ، [سید رضی، ابوالحسن حسین بن محمّد، نهج‌البلاغه، ترجمه: شیروانی، علی، خطبه ۱۹۳].
- ۴- دَبْنُوحُ الْجَلِيمِ بِالْمَلِمِ، [همان].
- ۵- دیلمی، حسن بن ابی‌الحسن، اعلام‌الدین، ص ۱۲۱.
- ۶- در آن روز، یساران، جز پرهیزگاران، بعضی‌شان دشمن بعضی دیگرند. [زحراف، ۶۷].

۲۶- احسان

از آثار تقوا، احسان، بخشش، گشاده‌دستی، انفاق در راه خدا و خیر بودن است. البته این گشاده‌دستی و احسان از روی اعتدال است. خداوند در قرآن کریم ذکر کرده که متقین مال خود را در راه او انفاق می‌کنند: «وَمِمَّا زَقَنَاهُمْ يَنْفِقُونَ»^۱

در روایات اسلامی، کمی بخل و نداشتن آن،^۲ از ویژگی‌های متقین برشمرده شده است. این صفت تا بدان‌جا مهم است که یکی از عوامل جنایت قایل به شمار می‌آید:

﴿وَأَنْتَ عَلَيْهِمْ نَبَأٌ إِنَّيْ اَدَمَ بِالْحَقِّ اِذْ قَرَّبْنَا قُرْبَانَا فَتَقَبَّلَ مِنْ اٰخِذِيهَا وَلَمْ يَقْبَلْ مِنَ الْاٰخِرِ قَالَ لَافْتَنَّكَ قَالَ اِنَّمَا يَقْبَلُ اللّٰهُ مِنَ الْمُتَّقِيْنَ﴾^۳

فرد متقی، نفس قانع^۴ و از طمع بیزار^۵ است. کار زشت از وی پنهان و کار نیک از او آشکار است. خوبی‌اش به افراد روی آورده، و بدی‌اش از آنان روی گردانده است،^۶ و آن کس را که بر وی ستم کرده می‌بخشد،^۷ و «بسر ضعیفان رحم می‌کند»^۸ ایشان سراسر خیر برداشت می‌کنند:

- ۱- از آنچه به ایشان روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند. [بقره، ۲۳ و همچنین در کت: بقره، ۱۷۷].
- ۲- «ان باقری الکفری علامات یترکون بها... وَ تِلْكَ الْفُطْرُ نَ الْبَحْلِ» [دیلمی، حسن بن ابی‌الحسن، اعلام‌الدین، ص ۱۲۱].
- ۳- در داستان دو پسر آدم را به درستی برایشان بخوان، هنگامی که [هر یک از آن دو] قربانی پیش داشتند. پس، از یکی از آن دو پذیرفته شد و از دیگری پذیرفته نشد. [قابیل] گفت: «حماً تو را خواهم کشت» [هابیل] گفت: «خدا فقط از تقوا پیشگان می‌پذیرد» [مانده، ۲۷].
- ۴- «قَانِعٌ نَفْسِهِ» [سید رضی، ابوالحسن حسین بن محمّد، نهج‌البلاغه، ترجمه: شیروانی، علی، خطبه ۱۹۳].
- ۵- «وَ تَحْرِيْجًا عَنْ طَمَعِهِ» [همان].
- ۶- «فَعَادِيَ شُكْرَهُ خَاضِعاً مَقْرُوْمَةً مُّطِيْبًا خَيْرُهُ مُدْبِرٌ شَرُّهُ» [همان].
- ۷- «وَيَقْبَلُ عَشْرَ عِلْمَةٍ وَ يَطْبِئُ تَنْ خَرْتَهُ» [همان].
- ۸- «اِنَّ لِأَهْلِ الْكُفْرِ عَنَاقِطَ يَتْرَكُوْنَ بِهَا... وَ شَقِيَّةَ الضُّعْفَانِ» [دیلمی، حسن بن ابی‌الحسن، اعلام‌الدین، ص ۱۲۱].

آثار تقوا در دنیا و آخرت به الهام از آیات قرآن و سخنان اهل بیت

﴿وَقِيلَ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا مَاذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ قَالَُوا خَيْرٌ مَّا الَّذِي نَحْنُ فِيهِ هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَلَنِعْمَ دَارُ الْمُتَّقِينَ﴾^۱

ایشان چون بزرگوار هستند، اهل ریا نبوده و نیاز خویش را به کسی جز پروردگارشان ابراز نمی کنند، لذا حتی اگر تهیدست و نیازمند هم باشند، به گونه ای رفتار می کنند که کسی از فقرشان مطلع نگردد: «فَمِنْ عَلَامَةِ أَحَدِهِمْ... وَتَجَمُّلًا فِي فِائَةٍ»^۲

آری، اینان اهل گذشت و بخشش هستند:

﴿وَالْمُطْلَقَاتُ مَتَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ﴾^۳

نتیجه ی کلام این که، از آثار تقوا، احسان، در تمام جلوه های آن است.

۲۷- گشایش و آسانی

در قرآن کریم، از آثار تقوا، آسانی و گشایش یاد شده است: ﴿...وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا﴾^۴ «وَتَجْنِبُنَا الَّذِينَ أَكْفَرُوا وَكَانُوا يُتَّقُونَ»^۵

۱- در به کسانی که تقوا پیشه کردند، گفته شود: پروردگارتان چه نازل کرده و گویند: «خوبی» برای کسانی که در این دنیا نیکی کردند [پادشاه] نیکویی است، و قطعاً سرای آخرت بهتر است، و چه نیکوست برای پرهیزگاران. [تجمل / ۳۰]

۲- «و از نشانه های آنها [این که]... در حال تهیدستی دارای طهارتی آرامش آید...» [سید رضی، ابوالحسن حسین بن محمد، نهج البلاغه، ترجمه: شیروانی، علی، خطبه ی ۱۹۳]

۳- «و فرضی است بر مردان پرهیزگزار که زنان طلاق داده شده را به شایستگی چیزی دهند» [بقره / ۲۴۱]

۴- «و هر کس از خدا بپسورد [خدا] بسر او در کارش سهیلی فراهم سازد» [طلاق / ۴]

۵- «و کسانی را که ایمان آورده بودند و پروا می داشتند رهانیدیم» [صافات / ۱۸]

امام علی علیه السلام نیز می فرماید:

«فَمَنْ أَخَذَ بِالتَّقْوَى عَزَّتْ عَنْهُ الشَّدَائِدُ بَعْدَ دُنُوتِهَا وَ اخْلَوْتُ لَهَا السُّمُورُ بَعْدَ مَرَارَتِهَا وَ انْفَرَجَتْ عَنْهُ السُّمُورُ بَعْدَ تَرَكْمِهَا وَ انْهَلَتْ لَهَا الصُّغَابُ بَعْدَ انْصَابِهَا وَ هَطَلَتْ عَلَيْهِ الْكَرَائِدُ بَعْدَ قُحُوطِهَا وَ تَحَدَّبَتْ عَلَيْهِ الرَّحْمَةُ بَعْدَ نُفُورِهَا وَ تَقَدَّرَتْ عَلَيْهِ السُّعْمُ بَعْدَ نُضُوبِهَا وَ تَبَلَّتْ عَلَيْهِ الْبُرُكَةُ بَعْدَ إِرْثَادِهَا»^۱

هر کس به دامن تقوا چنگ زند، سختی ها که بدو نزدیک گشته از وی دور گردد، اموری که به کام وی تلخ گردیده شیرین شود، امواج فتنه هایی که گرداگردش را فرا گرفته از او فاصله گیرد، دشواری هایی که وی را به رنج انداخته برایش آسان شود، ابر-کرامت که از بیارش ایستاده بود بر وی بیارد، توسن رحمت که از وی رهیده بود بر او روی آورد، چشمه سار نعمت که خشک گشته بود برایش روان گردد و آسمان برکت که قطره قطره باریده بود سیل آسا بیارد.

ایشان در جای دیگری، گشایش باب رحمت و نجات در سختی ها و مشکلات زندگی را به واسطه ی تقوا پیشگی دانسته و می فرماید: «لَوْ أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَيْنِ كَانَتَا عَلَى عِبْدٍ رَتْقًا لَمَّ اتَّقَى اللَّهُ لَجَعَلَ اللَّهُ لَهُ مِنْهُمَا مَخْرَجًا»^۲

۱- سید رضی، ابوالحسن حسین بن محمد، نهج البلاغه، ترجمه: شیروانی، علی، خطبه ی ۱۱۸

۲- «اگر درهای آسمان و زمین بر بسته ای بسته شود آن گاه او تقوا را پیش گیرد، خداوند راه نجاتی برایش می گشاید» [امان، خطبه ی ۱۳۰]

در روایتی، ابن عباس از رسول خدا نقل می‌کند: «قرأ رسول الله ﷺ: ﴿وَمَنْ يَشِقِ اللّٰهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا﴾^۱ فَقَالَ: مَخْرَجًا مِنْ شُبُهَاتِ السُّنِّيَّةِ وَمِنْ غَمْرَاتِ الْمَوْتِ وَشَدَائِدِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ»^۲

زندگی متفین «سهل»^۲ و «از بسلا و گرفتاری محفوظه است: ... و انتصارك و املاً قلوبنا من كنوز التوكل و التقوى الواقعة من البلوى برحمتك يا ارحم الراحمين»^۴

آری، متفین در این دنیا با عزت و سربلندی در میان مردم زندگی می‌کنند: «روى عن رسول الله ﷺ أنه قال خصلة من لزمها أطاعته الدنيا والآخرة و ربح الفوز بالجنة قيل ما هي يا رسول الله قال التقوى من أراد أن يكون أعز الناس فليتق الله عزوجل ثم تلا ﴿وَمَنْ يَشِقِ اللّٰهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ﴾»^{۶۵}

۱- طلاق / ۲.

۲- «روى رسول خدا آیه ﴿وَمَنْ يَشِقِ اللّٰهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا﴾ را قرائت کرده و سپس فرمودند: از شبهه‌های دنیا و گرداب‌های مرگ و سختی‌های روز قیامت است.» [محدثی ری شهری، محدث، علم و حکمت در قرآن، ترجمه: سمودی، عبدالهادی، ج ۱، ص ۲۶۱-۲۶۰]

۳- سهلا اسره، [سید رضی، ابوالحسن حسین بن محمد، نهج البلاغه، ترجمه: دکتر علی شیروانی، خطبه‌ی ۱۹۳]

۴- «... باریات را بر ما بیوشان و دل‌های ما را از گنجینه‌های توکل و تقوایی که نگه‌دارنده از حادثه‌های ناگوار باشد، برگردان.» [ابن طاووس، سید علی، الامان، ص ۱۴۲]

۵- طلاق / ۲-۳.

۶- «از رسول خدا ﷺ روایت است که فرمودند: یک خصلت است که هر که بدان چسبد دنیا و آخرت در دسترس او باشد و به بهشت دست یابد که سود او است. گفتند: یا رسول الله! آن خصلت کدام است؟ فرمودند: تقوا و پرهیزگاری، هر که خواهد عزیزتر مردم باشد باید تقوا از خدا را پیشه‌ی

زلیخا، همسر عزیز مصر نیز در انتها فهمید که راز آزادی غلامش یوسف عليه السلام تقوای الهی و راز گرفتاری خودش در گناه، بی‌تقوایی بوده‌است. در خبر است که همسر عزیز مصر (زلیخا) گفت: «... مَا أَحْسَنَ التَّقْوَى كَيْفَ حَرَّرْتَ الْعَبْدَ وَمَا أَضْحَجَ الْخَطِيئَةَ كَيْفَ عَبَدْتَ الْآخِرَ»^۱

مولای متقیان حضرت علی عليه السلام تقوای الهی را عامل آزادی و رهایی از سلطه‌ی هر سلطه‌گر و ظالمی می‌دانند و می‌فرمایند: «فَإِنَّ تَقْوَى اللَّهِ مِفْتَاحُ سَدَادٍ وَ ذَخِيرَةُ مَعَادٍ وَ عِشْقٌ مِنْ كُلِّ مَلَكَهٍ وَ نَجَاةٌ مِنْ كُلِّ هَلَكَةٍ بِهَا يَشْجَعُ الطَّالِبُ وَ يَنْجُو الْهَارِبُ وَ تَنَالُ الرَّغَائِبُ»^۲

خلاصه‌ی کلام این که، از مهم‌ترین آثار تقوا در این دنیا گشایش و آسانی امور است.
۲۸- عبادت

عبادت و بندگی در دو معنای عام و خاص آن از آثار تقواست. افراد متقی «در عبادت خاشع»^۳ هستند. امام علی عليه السلام عبادت ایشان را چنین توصیف می‌نمایند:

خود سازد سپس این آیه را خواندند: هر که از خدا تقوا دارد بسازد برایش گشایش، و روزیش دهد از آنجا که گمان نبرد.» [کراچکی، ابوالفتح، کنز العمال، ج ۲، ص ۱۰]

۱- «چقدر تقوا نیک است، چگونه بنده‌ای [یوسف] را آزاد کرد، و چقدر گناه زشت است که چگونه آزادی [زلیخا] را بنده کرده.» [طوسی، ابوجعفر محمد بن الحسن، الامالی، ص ۴۵۷]

۲- «بی‌شک، تقوای الهی کلید رستگاری، و اندوخته‌ی معاد، و آزادی از سلطه‌ی هر سلطه‌گر، و رهایی از هر هلاکتی است. به وسیله‌ی تقواست که انسان جوینده به مراد خویش می‌رسد و شخص گریزان [از آتش دوزخ] رها می‌گردد و آدمی به خواسته‌هایش دست می‌یابد.» [سید رضی، ابوالحسن حسین بن محمد، نهج البلاغه، ترجمه: شیروانی، علی، خطبه‌ی ۲۳۰]

۳- «و خُشوعاً فِي عِبَادَةِ» [همان، خطبه‌ی ۱۹۳]

«أَمَّا اللَّيْلُ فَصَافُونَ أَقْدَامَهُمْ تَالِينَ لِأَجْزَاءِ الْقُرْآنِ يُرْتَلُونَهَا
 تَرْتِيبًا يُحْزَنُونَ بِهِ أَنْفُسَهُمْ وَيَسْتَبِيرُونَ بِهِ ذَوَاةَ دَائِبِهِمْ فَإِذَا مَرُّوا بِآيَةِ
 فِيهَا تَشْوِيقٌ رَكَنُوا إِلَيْهَا طَمَعًا وَتَطَلَعَتْ نُفُوسُهُمْ إِلَيْهَا شَوْقًا وَظَنُّوا
 أَنَّهَا نَصَبٌ أَعْيَبَهُمْ وَإِذَا مَرُّوا بِآيَةٍ فِيهَا تَحْوِيفٌ أَصْغَوْا إِلَيْهَا مَسَامِحَ
 قُلُوبِهِمْ وَظَنُّوا أَنَّ زَيْفَ جَهَنَّمَ وَشَبِيهَا فِي أَسْوَلِ آذَانِهِمْ فَهَمَّ
 خَائُونَ عَلَى أَوْسَاطِهِمْ مُفْتَرِشُونَ لِجِبَاهِهِمْ وَأَكْفُهُمْ وَرُكْبَتِهِمْ وَ
 أَطْرَافِ أَقْدَامِهِمْ يَطْلُبُونَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى فِي فِكَكَكَ
 رِقَابِهِمْ»^۱

«اما در شب به پا ایستاده اند، و قرآن را جزء به جزء و شمرده و
 سنجیده می خوانند، و با خواندن آن اندوهی معنوی (و شیرین و نشاط
 بخش) در خود پدید می آورند. هرگاه از آیه ای می گذرند که در آن
 بشارتی است، به آن طمع کرده و می آرند، و روحشان از سر اشتیاق
 به آن خیره خیره می نگرد، و گمان می کنند که آنچه بدان بشارت داده
 شده در برابر دیدگانشان قرار گرفته، و هرگاه به آیه ای می رسند که در
 آن بیمی داده شده، گوش دل به آن می سپارند، و پندارند که صدای
 شعله های فروزان آتش بیخ گوش ایشان است. با رکوع پشت خود را
 خم کرده اند، و با سجود پیشانی و دست و زانو و انگشتان پا را بر زمین
 گسترده اند، و از خداوند می خواهند که طوق عذاب از گردن هایشان
 بگشاید.»

ایشان، در شب این گونه به عبادت به معنای عام می پردازند و در روز
 به عبادت به معنای خاص مشغولند: «وَأَمَّا النَّهَارُ فَخُلَمَاءُ عُلَمَاءُ أُبْرَارٍ
 أَتْقِيَاءِ...»^۲

۱- سید رضی، ابوالحسن حسین بن محمد، نهج البلاغه، ترجمه شیروانی، علی، خطبه ی ۱۹۲.
 ۲- «و اما در روز بردارند و دانشمند، نیکو کارند و پرهیزکار...» [همان].

ایشان، تمامی رفتارشان را عبادت گونه و برای رضای حق تعالی
 انجام می دهند:

«فَاتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ تَقِيَّةَ ذِي لُبٍّ شَغَلَ الْفِكْرُ قَلْبَهُ وَأَنْصَبَ
 الْخَوْفُ بَدَنَهُ وَأَسْمَرَ الْفَهْجُ غِرَارَ نَوْمِهِ وَأَطْلَمَ الرَّجَاءُ هَوَاجِرَ
 يَوْمِهِ وَظَلَفَ الرَّهْمُ شَهْوَاهَ وَأَوْجَفَ الذِّكْرُ بِلِسَانِهِ وَقَدَّمَ الْخَوْفُ
 لِأَمَانِهِ وَتَكَبَّ الْمَخَالِجُ عَنْ وَضَحِ السَّبِيلِ وَسَلَكْنَ أَقْصَدَ
 الْمَسَالِكِ إِلَى السَّهْجِ الْمَطْلُوبِ وَكَمْ تَفْتَلَهُ قَاتِلَاتُ الْقُرُورِ وَكَمْ
 تَعْمُ عَلَيْهِ مُشْتَبِهَاتُ الْأُمُورِ طَافِرًا بِفِرْحَةِ الْبُشْرَى وَرَاحَةِ النُّعْمَى
 فِي أَنْفُسِ نَوْمِهِ وَآمَنَ يَوْمِهِ وَقَدْ عَبَّرَ الْعَاجِلَةَ حَمِيدًا وَ
 قَدَّمَ زَادَ الْعَاجِلَةَ سَعِيدًا وَبَادَرَ مِنْ وَجَلٍ وَأَكْمَشَ فِي مَهَلٍ وَ
 رَغِبَ فِي طَلَبٍ وَذَقَّ لَصْدَقَ مِعَادِهِ وَالْحَذَرَ مِنْ هَوْلِ
 مِعَادِهِ»^۱

«پس تقوای الهی را در پیش گیرید همچون تقوای کسی که
 شنید و خاشع گشت، معصیت کرد و اعتراف نمود، ترسید
 و به کار پرداخت، برحذر شد و به سوی نیکی شتافت، یقین
 کرد و احسان نمود، اندرز شنید و پس گرفت، او را برحذر داشتند
 و او دوری جست، منعم گردند و او خودداری نمود، دعوت
 حق را اجابت کرد و به خدا روی آورد، از گناه باز گشت و
 توبه نمود، به رهبران الهی اقتدا کرد و راه ایشان را
 پیسود، حقیقت را به او نشان دادند و او دید، پس حق جویدان
 شتافت، و گریزان از گناه نجات یافت، سود طاعت را ذخیره
 کرد، و درونش را پاکیزه ساخت، قیامتش را آباد نمود، و برای

۱- همان، خطبه ی ۸۳

آثار تقوا در دنیا و آخرت با الهام از آیات قرآن و سخنان اهل بیت

روز کوچ و راهی که در پیش دارد، وقت نیاز و تهیدستی زود و توشه فراهم آورد، و آن را پیش بسرای اقامتگاه خسویش فرستاد. پس ای بندگان خدا! تقوای الهی داشته باشید و راهی را که برای آن آفریده شده‌اید در پیش بگیرید، و از خدا تا نهایت جایی که شما را از خود بر حذر داشته بترسید و بر حذر باشید. خود را سزاوارتر تحقق وعده‌ی صادفانه‌ی حق کنید تا از آنچه برایتان فراهم ساخته بهره‌مند شوید، و از بیم روز معاد برکنار بمانید.

۲۹- رستگاری

در آیات زیادی از قرآن کریم رستگاری از آثار تقوا بر شمرده شده است. خداوند درباره‌ی متقین فرموده است:

﴿أُولَئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾^۱

فلاح و رستگاری در بیشتر آیات قرآن مشروط ذکر شده است و همانا شرط آن، تحقق تقوای الهی است:

﴿وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾^۲ ﴿... فَاسْأَلُوا اللَّهَ يَأُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾^۳ ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الرِّسَالَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾^۴

۱- آنها هستند که از هدایتی از جانب پروردگارشان برخوردارند و آنها همان رستگارانند. (بقره/۵)

۲- و از خدا بترسید، باشد که رستگار گردید. [بقره/۱۸۹]

۳- پس ای خردمندان، از خدا پروا کنید، باشد که رستگار شوید. [مائده/۱۰۱]

۴- ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا کنید، و به او [توسل و] تقرب جوید، و در راهش جهاد کنید، باشد که رستگار شوید. [مائده/۳۵]

پرهیزگاران سرای آخرت را برای خود تضمین کرده‌اند:

﴿... وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾^۱

البته این سرای آخرت در عوض اعمال نیک و پرهیزگاری آنان است، همچون به پا داشتن نماز، صبر و ... است که در دنیا صورت پذیرفته:

﴿وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَانَسَأَلَكَ رِزْقًا ثَمَّ نُرْزِقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾^۲

در روایات اسلامی نیز تقوا مایه‌ی رستگاری معرفی شده است. رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

«خَصَلَةٌ مِّنْ لِّزِمَتِهَا أَطَاعَتُهُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ وَرِيحُ النَّوْزِ بِقُرْبِ اللَّهِ تَعَالَىٰ فِي دَارِ السَّلَامِ قِيلَ وَتَاهِيَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ الْتَقْوَىٰ قَالَ مَن أَرَادَ أَنْ يَكُونَ أَعَزَّ النَّاسِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ ثُمَّ تَنَا وَوَمَن يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ﴾^۳

هیکل خصلت است که هر کس آن را، ملازمت کند اطاعت کند او را در دنیا و آخرت، و سود برد فایز شدن تقرب الهی را در بهشت. گفتند: آن چیست یا رسول الله؟ فرمودند: تقوا و پرهیزگاری، پس هر که می‌خواهد عزیزترین مردم باشد تقوا پیشه کند و از خدا پرهیزد و سپس این آیه را تلاوت فرمودند: ﴿وَمَن يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ﴾^۴

۱- و فرجام [نیک] برای پرهیزگاران است. [اعراف/۱۲۸]

۲- و کسان خود را به نماز فرمان ده و خود بر آن شکیا باش، ما از تو جویم روزی نیستیم، ما به تو روزی می‌دهیم، و فرجام [نیک] برای پرهیزگاری است. [طه/۱۳۲]

۳- کراچکی، اوالفتح، معدن الجواهر، ص ۲۱.

و امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمودند: «فَاَزَمَنِ امْتِصِحْ بِسُورِ الْهُدَى وَ خَالَفَ ذَوَاعِيَ الْهَوَى وَ جَعَلَ [جمل] الْإِيْمَانَ عُدَّةً مَعَادِيهِ وَ الثَّقْوَى دُخْرَةً وَ زَادَهُ»^۱

آری، تقوا مایه‌ی رستگاری است، همان گونه که خداوند فرمود: «إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا»^۲

ب- آثار اجتماعی

مراد از آثار اجتماعی تقوا آن دسته از آثاری است که تأثیر مستقیم در رشد حیات اجتماعی و توسعه‌ی آن دارد.

۱- وفای به عهد

طبق آیات قرآن کریم، آن دسته از افرادی که متقی هستند همیشه به عهدهایی که با دیگران بسته‌اند وفادارند:

«... وَالْمُؤْمِنُونَ يَعْهَدُ لَهُمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ»^۳

امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام نیز یکی از نشانه‌های متقین را وفای به عهد دانسته‌اند: «إِنَّ لِأَهْلِ الثَّقْوَى عَلَامَاتٍ يُفَرِّقُونَ بِهَا ... وَ وَفَاءً بِالْعَهْدِ»^۴

۱- «پیرروزی یافته هر که چراغ فروزی کند به نور هدایت، و مخالفت کند خواننده‌های هوا را، و ایمان را آماده شده روز بازگشت خسود، و پرمیز گساری را ذخیره‌ی خود و ترش‌هی خود بگرداند.» [آمدی، عبدالواحد التنیسی، حرر الحکم و درر الکلم، ص ۹۴]

۲- «مسلماً پرمیز گاران را رستگاری است.» [نبا، ۳۱]

۳- «و آنان که چون عهد بندند، به عهد خود وفادارند و در سختی و زیان، و به هنگام جنگ، شکیبایانند آمانند کسانی که راست گفته‌اند، و آنان همان پرمیز گارند.» [قره، ۱۷۷]

۴- «اهل تقوا علایم و نشانه‌هایی دارند که به آن شناخته می‌شوند... پایداری به عهد و پیمان [از نشانه‌هایشان است.]» [دبلی، حسن بن ابی الحسن، اعلام السنین، ص ۱۲۲]

۲- رشد جامعه

رشد جامعه از نظر مادی و معنوی در گرو دسته‌ای از عوامل است و یکی از آنها تقوا است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله این عامل را در رشد جامعه حیاتی دانسته‌اند:

«لَا تَسْأَلُ أُمَّتِي بِخَيْرٍ مَا أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تَعَاوَنُوا عَلَيَّ الْبِرِّ وَ الثَّقْوَى فَإِذَا لَمْ يَفْعَلُوا ذَلِكَ نَزَعْتُ مِنْهُمْ الْبَرَكَاتِ وَ سَلَطْتُ بَعْضَهُمْ عَلَي بَعْضٍ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ نَاصِرٌ فِي الْأَرْضِ وَ لَا فِي السَّمَاءِ»^۱

۳- وحدت

تقوا و پارسایی محوری برای وحدت مسلمین است. صاحب

شواهد التنزیل در ذیل تفسیر آیه‌ی «الَّذِينَ آمَنُوا وَ كَانُوا عَلَىٰ نَجْوَىٰ وَ كَانُوا تَوَّابِينَ»^۲

مراد از آن را اتحاد امت اسلامی بر تقوا دانسته است: «الَّذِينَ آمَنُوا وَ كَانُوا عَلَىٰ نَجْوَىٰ»

«الَّذِينَ آمَنُوا وَ كَانُوا عَلَىٰ نَجْوَىٰ» یا محمداه

تو را در میان آنان مبعوث و آنان را بر محور تقوا جمع کرده

است.»

۴- امانت‌داری

امانت‌داری، قوام بخش روابط اجتماعی مردم است. در روایتی از

امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام آمده است که ادای امانت از

۱- «تا زمانی که امت من امر به معروف و نهی از منکر کنند، و در کار نیک به یاری یکدیگر بریزند، بر حیر و سلامتند؛ و چون چنین نکنند، برکات از ایشان گرفته می‌شود، و بعضی از آنان بر بعضی دیگر مسلط خواهند شد، و دیگر پیروی در زمین و آسمان نخواهند داشت.» [طوسی، ابوجعفر محمد بن الحسن، تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۱۸۱]

۲- تین، ۸.

۳- الحسکانی، ابوالقاسم عبید الله بن عبدالله، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل فی الآیات البارکة فی اهل بیت علیهم السلام، ح ۱، ص ۲۵۳.

نشانه‌های پرهیزگاران است: **إِنَّ لِأَهْلِ التَّقْوَىٰ عَلَامَاتٍ يُعْرَفُونَ بِهَا ... وَ**
أَدَاءَ الْأَمَانَةِ.^۱

۵- پذیرش مسؤولیت دینی

یکی دیگر از آثار تقوا در زندگی دنیا، پیشنهاد و واگذاری
مسؤولیت‌های شرعی به افراد است:

﴿وَمَا لَهُمْ أَلَّا يُعْتَبِرَهُمُ اللَّهُ وَهُمْ يُصَدِّقُونَ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ
وَمَا كَانُوا أَوْلِيَاءَ إِنْ أُولِيَاءُ إِلَّا الْمُتَشَكِّمُونَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ
لَا يَعْلَمُونَ﴾.^۲

در این آیه، پرده‌داری خانه‌ی خدا که بالاترین مسؤولیت شرعی آن
زمان بوده در شأن و لیاقت پرهیزگاران برشمرده شده است. این موضوع
قابل تعمیم بر دیگر مناصب مذهبی جامعه می‌باشد؛ چرا که جامعه‌ی
اسلامی باید توسط رهبران و مسؤولانی با تقوا و پارسا اداره شود تا
افراد جامعه را در نیل به سوی تقوا و خدامحوری هدایت و راهنمایی
کنند.

۶- صله‌ی رحم

از اختصاصات متقین صله‌ی رحم است: **إِنَّ لِأَهْلِ التَّقْوَىٰ عَلَامَاتٍ**
يُعْرَفُونَ بِهَا ... وَصِلَةَ الرَّحِمِ.^۳ البته مراد صله‌ی رحمی است که حرام در

۱- اهل تقوا علایم و نشانه‌هایی دارند که به آن شناخته می‌شوند ... و امامت‌داری [از نشانه‌هایشان
است]؛ [دیلمی، حسن بن ابی الحسن، اعلام‌التین، ص ۱۲۲].

۲- «چرا خدا [در آخرت عذابشان نکند، با این که آنان [مرده را] از [زیارت] مسح الحرام باز
می‌دارند، در حالی که ایشان سرپرست آن نباشند، چرا که سرپرست آن جز پرهیزگاران نیستند، ولی
بیشترشان نمی‌دانند» [نفال/۳۴].

۳- اهل تقوا علایم و نشانه‌هایی دارند که به آن شناخته می‌شوند ... و صله‌ی رحم [از نشانه‌هایشان
است]؛ [دیلمی، حسن بن ابی الحسن، اعلام‌التین، ص ۱۲۱].

آن وارد نشود. متقین نیز با کسی که از وی بریده، می‌پیوندند: **وَيُصِلُ مَنْ**
قَطَعَهُ.^۱

آثار تقوا در آخرت

۱- بهترین توشه

طبق آیات قرآن کریم و سنت ائمه‌ی طاهریین علیهم‌السلام، بهترین توشه‌ی
آدمی از این عالم برای سرای آخرت و دنیار ابدیت، تقوای الهی
است:

﴿وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَىٰ وَاتَّقُونِ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ﴾.^۱

حضرت علی علیه‌السلام در کلامی خطاب به اهل قیبر فرمودند:
«... هَذَا خَيْرٌ مَا عِنْدَنَا فَمَا خَيْرٌ مَا عِنْدَكُمْ ثُمَّ التَّقَاتُ إِلَىٰ أَصْحَابِهِ فَقَالَ
أَمَا وَاللَّهِ لَوْ أَدِنَ لَهُمْ فِي الْكَلَامِ لَأَخْبِرُوكُمْ أَنَّ خَيْرَ الزَّادِ
التَّقْوَىٰ.»^۲

آدمیان تا در این دنیا هستند زندگی دنیا در نظر ایشان نیکو جلوه
می‌کند، ولی باور ندارند که در پس این دنیا آخرت را در پیش رو
دارند:

۱- [انسان پرهیزگارا] بما کسی که از وی بریده می‌پیوندد... [سید رضی، ابوالحسن
حسین بن محمد، نهج‌البلاغه، ترجمه: شیروانی، علی، خطبه‌ی ۱۹۲].

۲- «... و برای خود توشه برگیرید که در حقیقت، بهترین توشه، پرهیزگاری است، و ای مردمندان!
از من پروا کنید» [بقره/۱۸۷].

۳- «این خبری است که ما داریم، حال شما چه خیر دارید؟ سپس به اصحاب خود رو
کرد و فرمود: بدانید که اگر اجازه‌ی سخن گفتن داشتند، شما را خبر می‌دادند که: بهترین توشه، تقوا
است» [سید رضی، ابوالحسن حسین بن محمد، نهج‌البلاغه، ترجمه: دکتر علی شیروانی،
حکمت ۱۳۰].

﴿زُئِنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا الْخَيْبَةُ الدُّنْيَا وَيَسْخَرُونَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ اتَّقَوْا فَوْقَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾^۱

غافل از این که سرای آخرت و دیار باقی برای ایشان بسی بهتر و پر سودتر است، برای آنان که تقوای الهی را در پیش گیرند و ایمان آورند:^۱

﴿فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ وَرِثُوا الْكِتَابَ يَأْخُذُونَ عَرَضَ هَذَا الْأَدْنَى وَيَقُولُونَ سَنُغْفِرُ لَنَا وَإِن يَأْتِهِمْ عَرَضٌ مِثْلَهُ يَأْخُذُوهُ أَلَمْ يُؤْخَذْ عَلَيْهِمْ مِيثَاقُ الْكِتَابِ أَن لَا يَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ وَدَرَسُوا مَا فِيهِ وَالسُّدَارُ الْأَخِرَةَ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾^۲

آن گاه بعد از آنان، جانشینانی وارث کتاب [آسمانی] شدند که متاع این دنیای پست را می گیرند و می گویند: «بخشیده خواهیم شده» و اگر متاعی مانند آن به ایشان برسد [باز] آن را می ستانند. آیا از آنان پیمان کتاب [آسمانی] گرفته نشده که جز به حق نسبت به خدا سخن نگویند، با این که آنچه را که در آن [کتاب] است آموخته اند؟ و سرای آخرت برای کسانی که پروا پیشه می کنند بهتر است. آیا باز تعقل نمی کنید؟^۳

۱- زندگی دنیا در چشم کافران آراسته شده است، و مؤمنان را درسخند می کنند و [حال آن که] کسانی که تقوایشه بوده اند، در روز و ستاخیز، از آنان برترند و خدا به هر که بخواهد، بی شمار روزی می دهد. [بقره/ ۲۱۲].
۲- یوسف/ ۵۷.
۳- اعراف/ ۱۶۹.

﴿وُؤْخِرُفَا وَإِن كُنْ لِدَبِكَ لَمَّا مَتَاعُ الْخَيْبَةِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِينَ﴾؛^۱ «و زرو زیورهای [دیگر نیز]، و همهی این ها جز متاع زندگی دنیا نیست، و آخرت پیش پروردگار تو برای پرهیزگاران است.»

در صورتی که در روز ستاخیز کوچک ترین ظلمی به هیچ کس روا نمی شود:

﴿...قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّمَنِ اتَّقَى وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا﴾^۲
باید کمی درنگ و تأمل نمود^۲ و دیار آخرت را انتخاب کرد و در این دنیا چنان که شایسته ی آخرت است کوشید؛ چرا که خداوند فقط تقوا پیشگان را نجات خواهد داد و ایشان را گروه گروه به سوی خود محشور می کند:

﴿تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي نُورِثُ مِنْ عِبَادِنَا مَنْ كَانَ تَقِيًّا﴾^۳، ﴿وَمِمَّنْ تَنْجِي الَّذِينَ اتَّقَوْا وَنَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثًا﴾^۴، ﴿يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ وَأُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾^۵.

۱- زخرف/ ۲۵.
۲- بگو: «برخورداری [از این] دنیا اندک، و برای کسی که تقوا پیشه کرده، آخرت بهتر است، و [در آنجا] به قدر نبع هستی خرمایی بر شما ستم نخواهد رفت.» [نساء/ ۷۷].
۳- یوسف/ ۱۰۹، النعام/ ۱۳۶ و نیز رکه: طایبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه: موسوی همدانی، سید محمد باقر، ج ۱۱، ص ۳۸۰.
۴- این همان بهشتی است که به هر یک از بندگان ما که پرهیزگار باشد به میراث می دهیم. [مریم/ ۶۳].
۵- و آن گاه کسانی را که پرهیزگار بوده اند می رهاییم، و مستمگران را به زانو درانداخته در [دوزخ] رها می کنیم. [مریم/ ۷۲].
۶- روزی که هیچ مال و فرزندی سود نمی دهد، مگر کسی که دلی پاک به سوی خدا بیآورد. و [آن روز] بهشت برای پرهیزگاران نزدیک می گردد. [شراء/ ۹۰-۸۸].

آثار تقوا در دنیا و آخرت با الهام از آیات قرآن و سخنان اهل بیت

و ستم پیشگان به زانو در افتاده به سوی جهنم روانه خواهند شد:^۱
﴿يَوْمَ نَحْتَسِرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفْدَاهُ﴾^۲

۲- بهشت برین

آیات و روایاتی که نشان از عاقبت نیکوی اهل تقوا در بهشت دارد به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند؛ دسته‌ی اول: آیات و روایاتی که در آن صرفاً وارد بهشت شدن عنوان شده، ولی از اوصاف بهشت در آنها توضیحی نیامده است. دسته‌ی دوم: آیات و روایاتی که اوصاف بهشت در آنها برشمرده شده است.

الف) دسته‌ی اول: مراد، آیاتی است که فقط بشارت به بهشت داده و اوصاف آن را توضیح نداده است و یا علت وارد بهشت شدن را ذکر نموده است:

﴿إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ﴾^۳

و گاه فقط به ایشان خوشامد گفته است:

﴿وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَائِمًا وَقَاظِمًا وَسُبِّحْ لِلَّهِ الْمُنْتَهَى﴾^۴
﴿وَسَبِّحْ لِلَّهِ الْمُنْتَهَى﴾^۵

۱- بریم / ۷۲

۲- ایساک کن / روزی را که پرهیزگاران را به سوی (خدای) رحمان گروه گروه محشور می‌کشد. [بریم / ۸۵]

۳- سبب گناه، پرهیزگاران در باغها و چشمه‌سارند. [حجر / ۴۵، ذاریات / ۱۵]

۴- او کسانی که از پروردگارشان پروا داشته‌اند، گروه گروه به سوی بهشت سوق داده شوند، تا چون بدان رسند و درهای آن (به رویشان) گشوده گردد و نگاهبان آن به ایشان گویند: سلام بر شما، خوش آمدید، در آن درآیید. [و] جاودانه [بمانید]. [زمر / ۷۳] و نیز: مکه: سبب رخصی، ابوالحسن حسین بن محمد، نهج البلاغه، ترجمه: شیرازی، علی، خطبه‌ی ۱۱۰.

علامه طباطبایی ^{رحمه الله} از عبارت ﴿جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ﴾ چنین استفاده می‌کنند: خداوند چنین مقرر فرموده است که عاقبت خیر، با داشتن ایمان و تقوا محقق می‌شود و عاقبت بد در پیروی از کفر و معصیت است.^۱

راستی که سرنوشت متقین جایی جز بهشت نمی‌تواند باشد: ﴿قُلْ أذَلِكَ خَيْرٌ أَمْ جَنَّةُ الْخَالِدِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ كَأَنَّ لَهُمْ جَزَاءً وَمَقْصِيرًا﴾؛ بهشتی که از دیدگاه امام علی ^{علیه السلام}، ماوی و محل قرار و آرام گرفتن است: ﴿عَلَيْكُمْ بِالزُّمْرِ الْيَقِينِ وَالتَّقْوَى فَإِنَّهُمَا يَبْلُغَانِكُمْ جَنَّةَ الْمَأْوَاهِ﴾^۲

از دیدگاه امام علی ^{علیه السلام}، یکی از اموری که بیشتر اهل بهشت بدان وارد بهشت می‌گردند تقوا است: ﴿أَكْثَرُ مَا يُدْخِلُ النَّاسَ الْجَنَّةَ تَقْوَى اللَّهِ وَحَسَنُ الْخُلُقِ وَخَيْرُ مَا أُعْطِيَ الْإِنْسَانُ الْخُلُقَ الْحَسَنَ وَخَيْرُ الزَّادِ مَا صَحِبَهُ التَّقْوَى وَخَيْرُ الْقَوْلِ مَا صَدَقَهُ الْفِعْلُ﴾^۳

۱- طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه: موسوی همدانی، سید محمد باقر ح / ۱۳، ص ۷۶.

۲- بگنو: آیا این [عقوبت] بهتر است یا بهشت جاویدان که به پرهیزگاران و صلده داده شده است که پادشاه و سرانجام آنان است؟ [فرقان / ۱۵].

۳- فراگیرند لازم بودن یقین و پرهیزگاری را، پس به دوستی که آنها می‌رسانند شما را به بهشت که ماوی و جایگاه [متقین] است. [نوری، میرزا محمد حسین، مستدرک الوسائل، ح ۶۱، ص ۲۰۰].

۴- بیشتر وسیله‌ای که مرد را وارد بهشت می‌کند پرهیزگاری از خدا است و بهترین چیزی که انسان به مردم ببخشد خوی نیک است و بهترین زاد و توشه آنست که همراه با پرهیزگاری باشد و بهترین گفته آن است که عمل آن را تصدیق کند. [دیلمی، حسن بن ابی الحسن، ارشاد القلوب، ح ۱، ص ۱۹۲].

ایشان در سخنرانی که در مدینه پس از بیعت با ایشان، ایراد فرمودند، اظهار داشتند: «هان ای مردم! پرهیزگاری مرکب‌هایی است رام که پرهیزگاران بر آن سوار شده، لگام آن را به دست گرفته‌اند، که آنان را به بهشت می‌رساند.»^۱

ب) دسته‌ی دوم: آیاتی که به توضیح بهشت پرداخته خود دو دسته‌اند:

۱- آیاتی که به جنبه‌ی معنوی این نعمت پرداخته است. گاه این نعمت وعده‌ی الهی دانسته شده که در آن تخلفی نیست:

﴿لَكِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ غُرَفًا مِّنْ فَوْقِهَا غُرَفًا مِّنِيَّةٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَعِنْدَ اللَّهِ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ الْمِيعَادَ﴾^۱

گاه جایگاه ایشان نزد پروردگارشان دانسته شده است:

﴿إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٍ النَّعِيمِ﴾^۲ ﴿وَقِيلَ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا مَاذَا أَنْزَلْنَا رَحْمَةً قَالَوا خَيْرًا لِّلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَلِنَأْزِلَ الْآخِرَةَ خَيْرٌ وَلَنَنْفِخَنَّ فِي سَافِرَاتِ الْفُجَاءِ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ كَذَلِكَ يَجْزِي اللَّهُ الْمُتَّقِينَ﴾^۳

۱- محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه‌ی امیرالمؤمنین، ترجمه مهریزی، مهدی، ج ۴، ص ۱۵۴.
۲- ولیکن کسانی که از پروردگارشان پروا داشته‌اند، برای ایشان غرفه‌هایی است که بالای آنها غرفه‌هایی [دیگر] بنا شده است؛ نهرها از زیر آن روان است. وعده‌ی خداست؛ خدا حلال وعده نمی‌کند. [زمر/۲۰].
۳- برای پرهیزگاران، نزد پروردگارشان باغستان‌های بر تراز و نعمت است. [قلم/۳۴].
۴- او به کسانی که تقوا پیشه کردند، گفته شود: پروردگارتان چه نازل کرده؟ می‌گویند: «خوبی». برای کسانی که در این دنیا نیکی کردند [پادشاه] نیکی می‌کند، و قطعاً سرای آخرت بهتر است، و چه نیکوست سرای پرهیزگاران بهشت‌های عدن که در آن داخل می‌شوند و درها از زیر [درختان] آنها روان است در آنجا هر چه بخواهند برای آنان [فراموش] است. خدا اینگونه پرهیزگاران را پادشاه می‌دهد. [نحل/۳۰].

ایشان در جایگاه صدق و نزد پادشاهی مقتدر سکنی گزیده‌اند:

﴿إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِكٍ مُّقْتَدِرٍ﴾^۱

آری، ایشان آنچه را که نزد پروردگارشان است بهتر می‌دانند:

﴿لَكِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ ثَمَرُ الْحَسَنَاتِ﴾^۲

و بالاتر از همه، رضایت الهی است که قسمت پرهیزگاران خواهد شد:

﴿لِلَّذِينَ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَأَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ﴾^۳

۲- آیاتی که رویکرد مادی به بهشت دارد. گاه آیات درباره‌ی کیفیت تغذیه و مسکن اهل بهشت است:

﴿إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي ظِلَالٍ وَعُيُونٍ وَفَوَائِكٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ كَلِمًا وَاشْتَرَبُوا مِنْهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ﴾^۴

و گاه نیازهای روحی ایشان مد نظر قرار گرفته شده است:

۱- در حقیقت، مردم پرهیزگار در میان باغ‌ها و نهرها، در قرارگاه صدق، نزد پادشاهی توانا بنشینند. [قلم/۵۴-۵۵].
۲- ولی کسانی که پروای پروردگارشان را پیشه ساخته‌اند باغ‌هایی خواهند داشت که از زیر [درختان] آنها نهرها روان است. در آنجا جاودانه بنشینند [این] بدل برایتی از جانب خداست، و آنچه نزد خداست برای نیکان بهتر است. [آل عمران/۱۹۸ و نیز رکن: نحل/۳۱].
۳- ... برای کسانی که تقوا پیشه کرده‌اند، نزد پروردگارشان باغ‌هایی است که از زیر [درختان] آنها نهرها روان است؛ در آن جاودانه بنشینند، و همسرانی پاکیزه و [نیز] خوشنودی خدا [را دارند]؛ و خداوند به [امور] بندگان [خود] بیناست. [آل عمران/۱۵].
۴- اهل تقوا در زیر سایه‌ها و بر کنار چشمه‌سارند؛ با هر میوه‌ای که خوش داشته باشند، به [پادشاه] آنچه می‌گردید، بخورید و بیاشامید؛ گواراتر از آن باد. ما نیکوکاران را چنین پادشاه می‌دهیم. [مراسلات/۴۱-۴۴ و نیز رکن: حد/۳۵، محمد/۱۵، آل عمران/۳۳، طه/۱۲-۲۰].

آثار تقوا در دنیا و آخرت با الهام از آیات قرآن و سخنان اهل بیت علیهم السلام

﴿إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ يَلْبَسُونَ مِنْ سُنْدُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُتْقَانِينَ كَذَلِكَ وَزَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِينٍ فِيهَا كُلُّ غَاثَةٍ أَيْبِنٍ لَا يَذُوقُونَ فِيهَا الْمَوْتَ إِلَّا الْمَوْتَةَ الْأُولَىٰ وَوَقَاهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ فَضْلًا مِّن رَّبِّكَ ذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾^۱

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

۱- تقوا در لغت به معنی پرهیزگاری و نگاه‌داری کامل است، و در اصطلاح، به معنای آن است که انسان نفس خود را از آنچه در آخرت برایش ضرر دارد، حفظ کند و همچنین با انجام طاعات و عبادات و ترک محرّمات، خود را از عقوبت حق دور نماید.

۲- آثار تقوا که نمایانگر چهره و بسیمای متقین می‌باشد در قرآن و احادیث از منظر اخروی و دنیوی قابل استخراج است. آثار دنیوی تقوا نیز خود قابل تقسیم به آثار فردی و آثار اجتماعی است.

۳- برخی از آثار فردی تقوا در دنیا را می‌توان موارد ذیل دانست:

خدا محوری؛ جلال و بزرگی، یاد، محبت، ایمان و رضای باری تعالی که در سراسر زندگی پروا پیشگان پرتو می‌افکند؛ چرا که آنان جز خداوند را محور زندگی خویش قرار نمی‌دهند.

۱- به راستی پرهیزگاران در جایگاهی آسوده‌اند، در بوستان‌ها و کنار چشمه‌سارها، پرنیان‌نازک و دیبای ستر می‌پوشند [و] برابر هم نشسته‌اند، [آری،] چنین [خواهد بود] و آنها را با حوریان درشت چشم همسر می‌گردانیم. در آنجا هر میوه‌ای را [که بخواهند] آسوده خاطر می‌طلبند. در آنجا جز مرغ نخستین، مرغ نخواستند چشید و [حدا] آنها را از عذاب دوزخ نگاه می‌دارد. [این] بخششی است از جانب پروردگار تو. این است مسکن کاتبی بزرگ، [دحسان / ۵۱- ۵۷] و نیز ر.ک: نیا / ۳۱- ۳۶، ص / ۴۹- ۵۴.

ایمان به پیامبران الهی؛ چرا که پیامبران الهی خود از کودکی متقی بوده‌اند که به راهبری تقوا پیشگان برگزیده شده‌اند.

ایمان به رستاخیز؛ از بارزترین صفات پرهیزگاران است؛ ایمان به بازگشت به سوی خداوند، آنان را ترسان کرده و لذا در انجام اعمال صالح از یکدیگر سبقت می‌گیرند.

ایمان به کتب آسمانی؛ ایمان یافتن به این که آنچه بر پیامبر اسلام ﷺ و آنچه بر پیامبران پیشین ﷺ نازل شده از سوی خداوند بوده است.

بزرگ داشتن شعایر دین؛ از جمله برپایی نماز از صفات متقین در دنیاست.

انجام معروف، پرداخت زکات، وصیت، شکرگزاری، هدایت، کنترل جوارح بدن از ورود به گناهان، کنترل رفتار، تهذیب نفس، توبه، دوری از شبّهات، علم‌آموزی، خردگرایی، صبر و شکیبایی، یقین، صداقت، زهد، مسرت و آرامش روحی، تواضع، اخلاق نیکو، احسان، گشایش و آسانی، عبادت و بندگی و رستگاری، از دیگر آثار فردی و دنیوی متقین است که از آیات و روایات قابل برداشت می‌باشند.

وفای به عهد، رشد جامعه، وحدت مسلمین، امانت‌داری، پذیرش مسؤولیت‌های مذهبی و صله‌ی رحم نیز از آثار اجتماعی تقوا در دنیا است.

و اما رهاورد تقوا در آخرت چیزی نیست جز آنچه هر انسانی به آن نیاز دارد و در آرزوی اوست: بهشتین توشه و بهترین جایگاه، یعنی بهشت برین و نعمات الهی در آخرت از آن متقین خواهد بود.

منابع

۱. قرآن کسریم، ترجمه: فولادوند، محمد مهدی، چاپ یسازدهم، قم: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۳ ه.ش.
۲. الامام علی بن ابی طالب (علیه السلام)، نهج البلاغه، تدوین: سید رضی، ابوالحسن حسین بن محمد، ترجمه: شیروانی، علی، چاپ اول، قم: مؤسسه انتشارات دارالعلم، ۱۳۸۳ ه.ش.
۳. الآمدی، عبدالواحد بن محمد التیمی، غرر الحکم و درر الکلم، الطبعة الاولى، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶ ه.ش.
۴. ابن ابی فراس، ورام، مجموعة ورام (تنبيه الخواطر)، چاپ اول، قم: مکتبه الفقیه، بی تا.
۵. ابن طاووس، سید علی بن موسی، الأمان، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، ۱۴۰۹ ه.ق.
۶. الإحسانی، ابن ابی جمهور، عوالی اللثالی، الطبعة الاولى، قم: انتشارات سیدالشهداء، ۱۴۰۵ ه.ق.
۷. بهشتی، سعید، آیین خرد پروری، پژوهشی در نظام تربیت عقلانی بر مبنای سخنان امام علی (علیه السلام)، چاپ اول، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۸۱ ه.ش.
۸. جودوی، امیر، پیامد اعمال در زندگانی با الهام از قرآن، مقالات و بررسی ها، دفتر ۷۱، ۱۳۸۱ ه.ش.
۹. الحرانی، ابن شعبه، تحف العقول عن آل الرسول (علیهم السلام)، الطبعة الثانية، قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۴ ه.ق.

اخلاق، شماره شانزدهم

۱۰. الحسکانی، ابوالقاسم عیید الله بن عبدالله، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل فی الآیات النازلہ فی اهل البيت (علیهم السلام)، چاپ اول، تهران: مؤسسه چاپ و نشر، ۱۴۱۱ ه.ق.
۱۱. الحلی، ابن إدیس محمد، مستطرفات السرائر، الطبعة الثانية، قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۱ ه.ق.
۱۲. الدیلمی، ابومحمد الحسن بن محمد، ارشاد القلوب الی الصواب، قم: انتشارات شریف رضی، ۱۴۱۲ ه.ق.
۱۳. همو، اعلام الدین، الطبعة الاولى، قم: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، ۱۴۰۸ ه.ق.
۱۴. رستمی زاده، رضا، فهم قرآن از دیدگاه قرآن، پایان نامه مقطع دکتری، راهنما: دکتر سید مرتضی آیه الله زاده شیرازی، مشاور: دکتر سید محمد باقر حجّتی و آیت الله سید ابوالفضل میرمحمدی، دانشکده هیات‌الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران، ۱۳۷۸ ه.ش.
۱۵. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه: موسوی همدانی، سید محمد باقر، چاپ بیست و دوم، قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۸۶ ه.ش.
۱۶. الطوسی، ابوجعفر محمد بن الحسن، تهذیب الاحکام، الطبعة الرابعة، تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۶۵ ه.ش.
۱۷. همو، الأمالی، چاپ اول، قم: انتشارات دار الثقافة، ۱۴۱۴ ه.ق.
۱۸. العیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، تهران: چاپخانه علمیه، ۱۳۸۰ ه.ش.
۱۹. الفتونی، ابوالحسن، مقدمه تفسیر مرآة الانوار، تهران، ۱۳۷۴ ه.ق.

آثار نفیسی در دنیا و آخرت با الهام از آیات قرآن و سخنان اهل بیت (علیهم السلام)

۲۰. القمی، علی بن ابراهیم بن هاشم، تفسیر القمی، الطبعة الثالثة، قم: مؤسسه دار الكتاب، ۱۴۰۴ هـ.ق.
۲۱. کراجکی، ابوالفتح، معدن الجواهر، چاپ دوم، تهران: کتابخانهی مرتضویه، ۱۳۹۴ هـ.ق.
۲۲. همو، کتیر الفوائد، الطبعة الثانية، قم: مکتب مصطفوی، ۱۴۱۰ هـ.ق.
۲۳. الکلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، الطبعة الرابعة، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ هـ.ش.
۲۴. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام، بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ هـ.ق.
۲۵. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، الطبعة الاولى، قم: دار الحديث، ۱۳۷۵ هـ.ش.
۲۶. همو، علم و حکمت در قرآن و حدیث، ترجمه: مسعودی، عبدالهادی، چاپ اول، قم: دار الحديث، ۱۳۷۹ هـ.ش.
۲۷. همو، خردگرایی در قرآن و حدیث، ترجمه: مهریزی، مهدی، چاپ اول، قم: دار الحديث، ۱۳۷۸ هـ.ش.
۲۸. همو، دانشنامهی امیرالمؤمنین بر پایهی قرآن، حدیث و تاریخ، ترجمه: عبدالهادی مسعودی (مجلدهای ۱، ۲، ۳، ۱۲)، مهریزی، مهدی، (مجلدهای ۴ و ۵)، حسینی (زرفاء)، سید ابوالقاسم، (ج ۶)، محدثی، جواد، (ج ۷) و سلطانی، محمدعلی، (مجلدهای ۸، ۹، ۱۰ و ۱۱)، چاپ اول، قم: دار الحديث، ۱۳۸۰ هـ.ش.
۲۹. مشکینی، علی، تحریر الموعظ العبدیه، چاپ هشتم، قم: نشر الهادی، ۱۴۲۴ هـ.ق.

۳۰. موسوی خمینی، سید روح الله، شرح چهل حدیث (اربعین حدیث)، چاپ پنجم، تهران: مؤسسهی تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۱ هـ.ش.
۳۱. النوری الطبرسی، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، الطبعة الثانية، قم: مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، ۱۴۰۸ هـ.ق.